

بررسی دلایل تغییر واحد پول ملی

کد موضوعی: ۲۲۰

شماره مسلسل: ۱۱۰۴۵

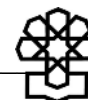
شهریورماه ۱۳۹۰

دفتر: مطالعات اقتصادی

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۳	۱. ماهیت و کارکرد پول در اقتصاد
۶	۲. اصلاحات پولی و ابعاد آن
۱۱	۳. تجربه کشورهای اروپای شرقی و مرکزی (تجارب عموماً موفق)
۲۰	۴. تجربه کشورهای آمریکای لاتین (تجارب عموماً ناموفق)
۳۰	۵. دلایل تغییر پول ملی با توجه به تجارب کشورها
۳۵	۶. بررسی توجیه‌پذیری تغییر واحد پول ملی در ایران
۴۴	۷. درس‌هایی از تجارب دیگر کشورها برای اقتصاد ایران
۴۵	۸. الزامات و بسترهای تغییر واحد پول ملی
۴۸	۹. راهکارهایی برای کاهش آثار سوء تداوم تورم در کشور از ناحیه واحد پول ملی
۵۰	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۵۱	منابع و مآخذ



بررسی دلایل تغییر واحد پول ملی

چکیده

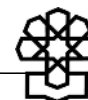
موضوع تغییر واحد پول ملی و حذف چند صفر آن در حال حاضر در دستور کار دولت و بانک مرکزی قرار گرفته است. البته بحث و بررسی‌ها برای عملی کردن آن همچنان ادامه دارد، اما تاکنون توافقی برای این کار، بین مسئولان و حتی صاحب‌نظران صورت نگرفته است. با توجه به اهمیت موضوع در این پژوهش ابتدائاً با توجه به تجربه کشورهای مختلف، به بررسی شرایطی که این کشورها اقدام به تغییر واحد پول ملی نموده‌اند پرداخته شد و این نتیجه به دست آمد که این کشورها در مواجهه با بروز ابرتورم در مقاطع زمانی کوتاه جنگی یا در مقابل تورم‌های بالا و پایدار بی‌ثبات‌کننده در دوران گذار اقتصادی، دست به کار اصلاح واحد پول ملی یا تغییر آن زده‌اند. همچنین تجارب کشورهای منتخب نشان داد که تا وقتی اقتصاد با سیاست‌های تثبیت و اقدامات حقیقی و نهادی، مستعد ثبات نشده است، اقدام به تغییر واحد پول ملی به نتیجه مطلوب منجر نمی‌شود و تورم همچنان پا برجا می‌ماند و به نوعی، شرایط برای تکرار تغییر واحد پول ملی تکرار می‌شود. سپس با توجه به مشکلاتی که از ناحیه کاهش ارزش پول ملی در ایران به وجود آمده به بررسی شرایط اقتصاد ایران برای انجام این سیاست پرداخته شده است. در نهایت این نتیجه به دست آمد که به هیچ وجه ابعاد تورم در ایران را نمی‌توان در حد ابرتورم (به حدی که در کشورهای که واحد پول خود را تغییر داده‌اند) دانست. با این حال، این امر به معنای نادیده گرفتن مشکلات ناشی از عدم تناسب ارقام اسکناس‌های منتشر شده با نیازهای معاملاتی و مبادلاتی در کشور نیست. لذا در این رابطه راهکارهایی از جمله تغییر ترتیبات تجاری، توسعه استفاده از ابزارهای الکترونیک، چاپ اسکناس درشت‌تر برای جلوگیری از آثار سوء تورم بر مبادلات از ناحیه واحد پول ملی وجود دارد، تا علاوه بر کاهش هزینه‌ها و مشکلات مذکور، از آثار سیاسی و روانی ناشی از تغییر واحد پول ملی نیز اجتناب شود.

مقدمه

حذف صفر از پول ملی به خودی خود یک برنامه شکلی است که محاسبات را آسان می‌کند اما آثار ماهیتی ندارد، بنابراین تورم‌زا نیست و نمی‌تواند در مهار تورم نیز مفید باشد. در واقع حذف صفر یک اصلاح و تغییر شکل است و به خودی خود آثار اساسی ندارد، اما این تغییر شکل به لحاظ اینکه با سایر برنامه‌های اقتصادی و سایر سیاست‌ها ادغام شود، تأثیرات اساسی پیدا می‌کند. بنابراین اجرای درست آن اگر در چارچوب یک سلسله اصلاحات مهم اقتصادی انجام شود، آثار زیادی دارد، به این ترتیب که تورم مهار می‌شود، ارزش پول ملی افزایش می‌یابد، اعتماد عمومی به پول ملی ارتقا پیدا می‌کند و می‌تواند زمینه‌ساز جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشور باشد. در صورتی که اجرای ناصحیح حذف صفر از پول ملی، بدون در نظر گرفتن سایر شرایط، دولت‌ها را کم‌اعتبار می‌کند و آثار اجتماعی مخربی دارد.

آنچه که در این رابطه از تجربه سایر کشورها برداشت می‌شود، این است که این کشورها در مواجهه با بروز ابرتورم در مقاطع زمانی کوتاه جنگی یا در مقابل تورم‌های بالا و پایدار بی‌ثبات‌کننده در دوران گذار اقتصادی، دست به کار اصلاح واحد پول ملی یا تغییر آن زده‌اند و هدف این بوده است که یا بعد از اعمال سیاست‌های تثبیت یا بعد از برطرف شدن شرایط بی‌ثبات‌کننده جنگی با این اقدام به جامعه علامت بدهند که دوران بد قبلی سپری شده و زمان پایداری، ثبات و اعتماد فرا رسیده است و یا حتی در حین مواجهه با تورم‌های بالا و حاکمیت انتظارات بی‌ثبات، به عنوان ابزار تثبیت‌کننده انتظارات تورمی یا مکمل سیاست‌های پولی و مالی و اقتصادی، اقدام به تغییر واحد پول خود کرده‌اند. این تجربیات نشان داده که به لحاظ جایگاه واقعی، تغییر واحد پول ملی در جایگاه معلول قرار دارد و نه علت. یعنی این سیاست فقط نشان از پشت کردن به شرایط بی‌ثبات و رو آوردن به ثبات از طریق اصلاحات پولی و حقیقی و نهادی است و بنابراین این سیاست ماهیت علامت‌دهنده و مکمل‌نهایی دارد و لزوماً تا وقتی اقتصاد با سیاست‌های تثبیت و اقدامات حقیقی و نهادی مستعد ثبات نشده باشد، اقدام به تغییر واحد پول ملی، به نتیجه مطلوب منجر نمی‌شود و تورم همچنان پابرجا می‌ماند و به نوعی شرایط برای تکرار تغییر واحد پول ملی تکرار می‌شود.

علی‌الیه این به منظور شناسایی آثار، ابعاد و الزامات تغییر واحد پول ملی در ایران به بررسی این موضوع و مطابقت آن با وضعیت سایر کشورها پرداخته می‌شود. در این پژوهش در بخش اول ضمن اشاره به ماهیت و کارکرد پول و نیز ابعاد اصلاح پولی در اقتصاد، پیشینه تغییر واحد پول ملی در



برخی کشورهای موفق و ناموفق ارائه شده است. در بخش دوم به اهم دلایل تغییر واحد پول ملی با توجه به تجارب سایر کشورها تأکید شده و در بخش سوم به بررسی توجیه‌پذیری تغییر واحد پول ملی و وضعیت کنونی اقتصاد ایران در رابطه با تغییر واحد پول ملی پرداخته شده است.

۱. ماهیت و کارکرد پول در اقتصاد

پول وسیله‌ای است که با آن بهای کالا و خدمات را می‌پردازیم، ارزش فعالیت‌های اقتصادی را می‌سنجیم و به‌عنوان نوعی از دارایی، حاصل بخشی از فعالیت‌های اقتصادی خود در زمان جاری را برای بهره‌برداری در زمان آتی پس‌انداز می‌کنیم. علاوه بر این خصوصیات و ویژگی‌های منحصر به‌فرد آن، متغیری است که اندکی تغییر در آن، اقتصاد یک جامعه را دچار دگرگونی و گاهی اوقات بحران می‌کند. با توجه به این اوصاف و همچنین پیدایش گونه‌های متعدد پول به‌ویژه پول‌های کاغذی و الکترونیکی در اقتصاد و افزایش اثرگذاری آن بر متغیرهای حقیقی و اسمی اقتصاد، ضرورت درک مفهوم و کارکرد آن برای متخصصین و سیاستگذاران اقتصادی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. واژه پول در طول زمان بر تمامی ابزارهای سنجش کالا مستولی شده است و همانند سایر پدیده‌های اجتماعی در بستر تاریخ بشر پدید آمده و عوامل متعددی از جمله زمان، مکان، فرهنگ، ساختارهای حکومتی و نظام معیشتی جوامع در سیر تکامل آن مؤثر بوده‌اند.^۱

۱-۱. تحول و تکامل پول در جامعه بشری

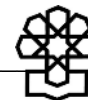
جوامع بدوی، مبتنی بر یک ساختار اجتماعی قبیله‌ای بوده‌اند و به‌گونه‌ای خودمعیشتی اداره می‌شدند، اما گاه برخی قبیله‌ها بیشتر از نیاز خود تولید می‌کردند و برای برآوردن نیازهای دیگر خود، به مبادله تولیدات خود با دیگران می‌پرداختند. بدین ترتیب، مبادلات پایاپای شکل گرفت. این شیوه مبادلات مشکلات فراوانی داشت که اهم آنها عبارت بودند از: عدم امکان ذخیره ثروت، مساوی نبودن کالاهای مورد معامله، نبود معیار سنجش ارزش کالاها، عدم نیاز به کالایی که در برابر کالا پرداخت می‌شد و عدم امکان انعقاد قراردادهای مشروط به پرداخت در آینده. این‌گونه مشکلات، جوامع را واداشت که در پی یک نظام مناسب باشند. در نخستین گام، بعضی از کالاها به‌عنوان واسطه مبادلات تعریف شد که به پیدایش پول کالایی غیرفلزی انجامید. در جوامع مختلف،

۱. علی حسن‌زاده و همکاران، ماهیت و کارکرد پول، اصل‌محوری در جبران کاهش ارزش پول، مجله تازه‌های اقتصاد، سال هفتم، ش

کالاهایی متناسب با ساختار اقتصادی آنان و شرایط جغرافیایی واسطه مبادله تعریف شد. چند نمونه از آنها عبارت بودند از: نمک، صدف، ماهی خشک شده، توتون، پوست و لباس.

به دلیل اینکه مبادله توسط پول کالایی، مشکلات دیگری مانند: هزینه‌های حمل آن به بازارهای دوردست، نگهداری و... را به دنبال داشت، برای دادوستد، بشر و سیله‌ای دیگر اندیشید. پس از پول‌های کالایی، پول فلزی به عنوان واسطه مبادله تعریف شد. بشر از میان فلزات، طلا و نقره را به دلیل سبکی، دوام، یک شکل بودن، تشخیص آسان و امکان ذخیره‌سازی برای این منظور برگزید. نظام پول فلزی به رغم امتیازهایی که نسبت به پول کالایی داشت، دچار نارسایی‌هایی در برآوردن انتظارات مردم بود که عبارت بودند از: خطر سرقت هنگام حمل و نقل، هزینه زیاد حمل و نقل، ساییدگی و کاهش وزن، غش در عیار مسکوکات و دیگر معایب که مردم را در برگزیدن پول جایگزین برانگیخت.

از نگاه تاریخی، تشخیص اینکه چه زمانی پول کاغذی وارد مبادلات شد، بسیار مشکل می‌باشد. شاید بتوان «برات» را نخستین وسیله پرداخت کاغذی دانست. برات، برگه کاغذی بود که خریدار کالا به فروشنده تسلیم می‌کرد تا در شهر خود به صراف بدهد و برابر مبلغ ثبت شده در آن، طلا و نقره بگیرد. از دیگر وسایل مبادله مشابه با اسکناس که به کار گرفته شد، «رسید» بود. مردم به دلیل ترس از سرقت، پول فلزی خود را به افراد مورد اعتماد یا صرافان می‌سپردند و در برابر آن، «رسید» دریافت می‌کردند و هرگاه می‌خواستند، نزد صراف می‌رفتند و پول فلزی خود را دریافت می‌کردند. صرافان بعد از زمانی دریافتند که بخشی از پول فلزی مردم برای یک دوره زمانی، بدون استفاده نزد آنان می‌ماند، لذا براین اساس با هدف کسب سود اقدام به استفاده از مابه‌التفاوت پول‌های سپرده‌گذاری شده و بازپس گرفته شده در قالب وام نمودند.^۱ در مراحل بعدی و پس از پذیرفته شدن و به‌کارگیری این رسیده‌ها، رسیده‌های استاندارد دیگری و با مبلغ مشخص که حکم اسکناس را داشت، در نظام پولی جوامع به عنوان واسطه مبادله پذیرفته شد. صادرکننده این رسیده‌ها، تعهد کرده بود که هرگاه این رسیده‌ها به وی برگردانده شود، بی‌درنگ به جای آن طلا یا نقره داده می‌شود. بدین ترتیب این رسیده‌ها به صورت اسکناس قابل تبدیل به فلز به کار گرفته شد. هنگامی که صرافان و بانکداران، مورد پذیرش و اعتماد دارندگان اسکناس قرار گرفتند، فراتر از وام دادن، به اندازه پول‌های فلزی مانده در صندوق‌ها، اقدام به چاپ اسکناس و روانه نمودن آن به بازار کردند. دارندگان این اسکناس‌ها نیز می‌پنداشتند که هرگاه به بانک بروند، می‌توانند به جای اسکناس، طلا و نقره بگیرند؛ درحالی که مقدار طلا و نقره در صندوق بانک‌ها بسیار کمتر از میزان



اسکناس در نزد مردم بود. با عرضه بیشتر اسکناس به بازار، اعتماد مردم به اسکناس‌ها کاسته شد و به سراغ بانک‌ها رفتند تا به جای اسکناس، طلا و نقره بگیرند. آنگاه چون بیشتر بانک‌ها پاسخگوی مطالبه آنها نبودند، بحران پولی پدیدار شد. در پی بحران پدید آمده، ناگزیر دولت‌ها، خبر از عدم قابلیت تعویضی اسکناس به طلا و نقره دادند که حادثه‌ای مهم در اقتصاد به‌شمار آمد و دگرگونی چندانی را در ماهیت اسکناس پدید آورد و رابطه میان اسکناس و طلا و نقره قطع شد و پول اعتباری به وجود آمد. بنابراین ارزش پول در دادوستد، فقط اعتباری بود که مانند پول‌های پیشین نزد عقلا قابل پذیرش بود، لذا بر این اساس مداخله دولت و سیاست‌های اقتصادی آن نقش قابل توجهی در ارزش و اعتبار اسکناس برجای گذاشت و دیگر پشتوانه پول، طلا و نقره نبود، بلکه کالا و خدمات جایگزین آن شدند.

۲-۱. ماهیت و کارکرد پول در نظام‌های اقتصادی

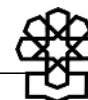
اقتصاددانان ماقبل کلاسیک نظیر: هیوم، جان لا، ویلیام پتی و کانتیون، همگی رأی به غیرخنثی بودن پول در فعالیت‌های اقتصادی داشته‌اند. به‌طور کلی مجموعه نظریات این دانشمندان براساس دو محور فکری اساسی یعنی، «پول به‌عنوان محرک اصلی تجارت» و «تأکید بر تأثیر قابل توجه پول بر حجم تولید و اشتغال» بوده است. در مقابل این گروه، اقتصاددانان کلاسیک که عمدتاً نظریات خود را در قالب «نظریه مقداری پول» معرفی می‌کنند، اینان از پول در شرایط تعادل بلندمدت به‌عنوان یک متغیر خنثی یاد می‌کنند. این گروه از اقتصاددانان، پول را به‌صورت حجابی بر روی روابط حقیقی اقتصاد معرفی و صرفاً آثار آن را در تغییرات قیمت‌ها ملاحظه می‌نمایند. این مطلب خود حاکی از این موضوع است که آنان پول را به‌عنوان وسیله مبادله در اقتصاد تعریف کرده‌اند و در نهایت هیچ دلیلی برای نگهداری پول و کنز آن ارائه نمی‌دهند. برداشت اقتصاددانان نئوکلاسیک از ماهیت پول، تحولی وسیع و بنیادی در کارکرد آن در اقتصاد به‌وجود آورد. از نظر این گروه از اقتصاددانان، پول خود به‌وجود آورنده مطلوبیت است. به‌عبارت دیگر، پول به‌عنوان یک کالا همانند تمامی کالاها می‌تواند خالق رضایت خاطر و مطلوبیت برای مصرف‌کنندگان باشد. مدل‌های تعریف شده کلیف لوید، مارشاک، برونز و ساموئلسن همه مؤید این موضوع هستند. بر مبنای تمامی این نظریات، پول به‌عنوان جایگزین برای سایر کالاها در تابع مطلوبیت افراد معرفی می‌شود. پس بر این اساس، تعیین نرخ جایگزین پول به‌جای کالاها و یا مطلوبیت نهایی پول بیانگر وجود قیمتی برای پول در مقایسه با قیمت کالاها جایگزین آن است. این نوع تعبیر از پول به ضرورت پذیرش بهای پول یا نرخ بهره به‌عنوان سازوکار مناسب برای تخصیص منابع در چارچوب منشور اقتصاد نئوکلاسیکی اشاره

می‌کند. میلتون فریدمن در بیان جدیدی از نظریه مقداری پول، تعریف دیگری از پول ارائه می‌دهد. او پول را به‌عنوان یکی از صور مختلف دارایی تصور می‌کند که براساس آن افراد می‌توانند بخشی از ثروت خود را به‌صورت نقد نگه دارند. فریدمن معتقد است که پول همانند سایر اشکال دارایی، موجود درآمد و در هر حال دارای مطلوبیت است. به‌عبارت دیگر نگهداری ثروت به‌صورت پول، موجب تسهیل در مبادلات روزمره و همچنین امنیت خاطر دارنده آن می‌شود و بی‌تردید مطلوبیتی را برای او به همراه دارد، اما حقیقتی که اینجا وجود دارد این است که نگهداری پول، شخص را از درآمدهایی محروم می‌کند که اشکال دیگر دارایی از جمله اوراق قرضه و سپرده‌های بانکی می‌توانست برای او به همراه داشته باشد. کینز برخلاف نظریه کلاسیک‌ها مبنی بر اینکه پول صرفاً وسیله‌ای برای مبادله است، وظیفه دیگری برای پول یعنی به‌عنوان ذخیره ارزش تعریف می‌کند.^۱

در مجموع، پول در اقتصاد سه کارکرد دارد: معیار سنجش ارزش، واسطه مبادله و ذخیره ارزش. ولی در عمل کارکرد و تأثیر پول در اقتصاد فراتر از حوزه این سه کارکرد است، اما نحوه عملکرد پول در اقتصاد می‌تواند بی‌ثباتی مالی اقتصادی را تشدید یا کنترل کند. پول می‌تواند به‌عنوان مکمل اقدامات حقیقی اصلاحی و ساختاری و توسعه‌ای در اقتصاد مطرح باشد و می‌تواند به‌عنوان عامل پیچیده‌کننده و تشدیدکننده ناکارایی‌های اقتصادی، عدم تعادل‌ها و بازتولید مشکلات در اقتصاد باشد.

۲. اصلاحات پولی و ابعاد آن

طبق ایده سنتی کلاسیکی و یا در چارچوب «نظریه مقداری پول»، نقش پول در اقتصاد خنثی بوده و حوزه عمل و تأثیرگذاری آن محدود به سه وظیفه (سنجش ارزش، واسطه مبادله و ذخیره ارزش) است. در این صورت چه حجم پول در جریان زیاد شود و چه کم شود، تخصیص منابع و توزیع درآمد به هیچ وجه تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند و تغییر نمی‌کند. تنها مشکلی که در این چارچوب نظری به‌دنبال رشد و سیلان نقدینگی حاصل می‌شود، مشکلات حسابداری و حجیم‌تر شدن عملیات حسابداری است، اما در چارچوب نظریه «نئوکلاسیک‌ها» و پس از آن در چارچوب نظریه «پول‌گرایان» که در عمل از ایده‌های نئوکلاسیکی پیروی می‌کردند، پول دیگر دارای آن عملکرد ساده کلاسیکی نیست و در تأثیرگذاری بخش‌های اقتصاد، حالت پیچیده‌تری به خود می‌گیرد. بنابراین با وجود ایده کلاسیک‌ها می‌توان ادعا کرد که نقش پول در هر اقتصاد می‌تواند پیچیدگی مختص خود



را دارا باشد.^۱

«مریس» معتقد است که اقتصاد پولی و اقتصاد غیرپولی ماهیتاً متفاوتند. زیرا وقتی پول وارد اقتصاد می‌شود ماهیت اقتصاد را عوض می‌کند^۲ البته باید توجه داشت که وقتی گفته می‌شود بین اقتصاد پولی و غیرپولی تفاوت ماهوی وجود دارد، بدان معنا نیست که ماهیت اقتصادهای پولی تقریباً یکسان است، بلکه اساساً ممکن است اقتصادهای پولی هم بسته به درجه ثبات و پایداری، نوع ساختار اقتصادی و قوت و ضعف آن، وجود تعامل درون‌زا میان عناصر اصلی اقتصاد و نبود آن، نوع محیط کسب و کار و نوع حکمرانی می‌توانند با هم متفاوت باشند.

در اقتصادهای پایدار، توسعه‌یافته و دانش‌محور که از تکنولوژی بالای تولید، محیط کسب و کار مناسب و حکمرانی خوب برخوردارند و همچنین مقامات پولی آن استقلال داشته، فساد اقتصادی پایین و اقتصاد غیررسمی محدودی دارند، پول نقش مکمل، تسهیل‌کننده و تسریع‌کننده دارد. لذا در این اقتصادها، اولاً ثبات پولی و قیمتی یک اصل و واقعیت مشهود است. ثانیاً اصلاح و دستکاری پولی امری شدنی، آسان و نتیجه‌بخش بوده و هزینه‌های توزیعی و تخصیصی ندارد، اما در اقتصادهایی که توسعه نیافته‌اند، محیط کسب و کار مناسب نیست، حکمرانی خوب وجود ندارد، اقتصاد زیرزمینی قوی است، فساد اقتصادی گسترده است، سرمایه‌های اجتماعی محدود و ضعیف است، از سرمایه‌های انسانی استفاده لازم نمی‌شود و فناوری‌های بالای تولید محدود است و مقامات پولی استقلال ندارند، چون قیمت‌ها حالت پایدار ندارند، اصلاح و دستکاری پولی پرهزینه بوده و سیاست‌های پولی بی‌تأثیر و پرهزینه هستند و آثار تخصیصی و توزیعی اصلاحات پولی هم بسیار بالاست.

۱-۲. دلایل اصلاح پولی

اصلاح پولی^۳ در واقع عبارت است از ارائه برنامه جدید در سیاست پولی پس از دوره تورم شدید که با معرفی اجزای جدید یا واحد جدید پول ملی صورت می‌گیرد. محققان معتقدند که تغییر واحد پول ملی، بخشی از بسته سیاستی بزرگتری است که اصلاحات اقتصادی سیاسی هر کشور در آن تعریف می‌شود. در این راستا باور سیاستگذاران این است که با اصلاح پولی، می‌توان ارتباط بین قیمت‌ها و پول ملی را در جهت اصلاح و معتبر کردن پول ملی، بازآرایی کرد. از نظر مفهومی تغییر واحد پول ملی عبارت است از تغییر وضعیت پول‌ها در یک کشور. این تغییر شامل انواع تحولات و

۱. عباس شاکری، اصلاح واحد پولی در کشورهای درحال توسعه با تأکید بر صفرزدایی، پژوهشکده امور اقتصادی، ۱۳۸۸، ص ۱۵.
2. Merris, R.C, "Monetary policy, Bank Regulation and Banking Profit", University of Kentucky, 1979
3. Monetary Reform

از جمله حذف چندین صفر، معرفی برابری جدید و معرفی تقسیم‌بندی جدید است.^۱ البته هرچند مقابله با تورم شدید و مستمر، دلیل اصلی انجام اصلاحات و تغییرات در واحد پول ملی است، اما دلایل دیگری هم در پس اقدام برخی کشورها برای انجام تغییر واحد پول ملی وجود دارد که در ادامه به تشریح بیان می‌گردد.

۱-۱-۲. اصلاح پولی به دنبال بروز تورم گسترده و کوچک شدن زیاده از حد واحد پول ملی

احتمال اجرای برنامه تغییر واحد پول در کشورهایی که دوره طولانی تورم بالا را تجربه کرده‌اند، بیشتر است؛ به ویژه کشورهایی که تحت برنامه‌های تعدیل صندوق بین‌المللی پول، پس از یک دوره طولانی تورمی، به نرخ‌های تورم پایین دست یافته‌اند. در واقع در کشورهایی با تورم لجام گسیخته، دولت‌ها با مشکلات ناشی از عدم اعتماد مؤسسات داخلی برای ادامه فعالیت و کاهش تمایل بازارهای بین‌المللی برای سرمایه‌گذاری در اشکال مختلف (سرمایه‌گذاری مستقیم، سرمایه‌گذاری در بازار اوراق بهادار و...) روبرو بوده‌اند، رفع این معضلات تنها از طریق اجرای برنامه تثبیت اقتصادی ممکن است. برنامه تغییر واحد پول نیز در فرآیند برنامه تثبیت اجرا می‌گردد.

۲-۱-۲. اصلاح پولی در جهت بالا بردن سادگی انجام مبادلات با پول ملی

وقتی ارزش واحد پول ملی بیش از اندازه کوچک می‌شود، تغییر واحد پول ملی می‌تواند کمک کند که مبادلات به سادگی بیشتر انجام شود و در هر صورت مشکلات حسابداری به کمترین حد خود برسد. در موارد متعدد، بزرگ شدن اعداد سبب می‌شود که عملیات نرم‌افزارهای اجرایی دستگاه‌های دولتی و سازمان‌های خصوصی نیز کند شود. لذا کوچک شدن ارقام، باعث سهولت محاسباتی و حسابداری خواهد شد.

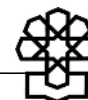
۳-۱-۲. اصلاح پولی در جهت پیوستن به یک نظام پولی جدید

برخی کشورها در پیوستن به نظام پولی جدید یا نظام پولی یک منطقه، اقدام به تغییر واحد پول ملی خود می‌نمایند. این وضعیت به دفعات در دهه‌های اخیر مشاهده شده است. کشورهایی که به حوزه یورو پیوسته‌اند، نمونه‌های مشخص این حالت را نشان می‌دهند.

۴-۱-۲. اصلاح پولی در جهت افزایش اعتماد عمومی و جلوگیری از جانشینی پول

تغییر واحد پول ملی می‌تواند با هدف برگشت به حاکمیت پولی در کشور هم انجام شود. اگر مردم اعتمادشان را نسبت به پول ملی از دست بدهند، احتمال روی آوردن به پول‌های خارجی افزایش

۱. فیروزه خلعت‌بری، تغییر قطع پول ملی، ویژگی‌ها و الزامات، کمیسیون اقتصاد کلان مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۰، ص ۱۴.



می‌یابد. این امر به‌ویژه وقتی پول‌های خارجی از نام و اعتبار بیشتر برخوردار باشند، محتمل‌تر دیده می‌شود. کاهش اعتماد عموم به پول ملی، بویژه در حوزه پس‌اندازی، عاملی است که سبب می‌شود مردم به کالاهای بادوام روی بیاورند و از آن به عنوان پس‌انداز استفاده نمایند. افزایش جدی تقاضا برای طلا هم نشان از عدم اعتماد جامعه به کارکرد درست پول ملی است. در این وضعیت دولت ممکن است با تغییر واحد پول ملی، فضای مطلوبی برای برگشت اعتبار به پول ملی را ایجاد کند. برای این کار بدون تردید لازم است سیاست‌های پشتیبان هم وجود داشته باشد تا پیش از تغییر واحد پول، زمینه مساعدی را برای بازگرداندن اعتماد مردم به پول ملی ایجاد نماید.

۵-۱-۲. اصلاح پولی به دلیل تمایل دولت در جذب هرچه بیشتر منابع مالی جامعه

این ویژگی در حکومت‌های خودکامه و ناشی از وجود بحران‌های اجتماعی و سیاسی است. این حالت، گونه‌ای از سیاست‌های تغییر واحد پول ملی است که در زمره «اصلاحات پولی شرارت‌آمیز»^۱ قرار می‌گیرد. موارد نادری را می‌توان برشمرد که اجرای این سیاست از سوی مقامات پولی به شکل خواسته و با استفاده از قدرت انحصاری دولت در چاپ پول و یا به شکل ناخواسته در نتیجه یک سیاست پولی نادرست، به گونه‌ای که ارزش دارایی‌های مردم را به نفع دولت کاهش داده اجرا شده است. دولت‌ها می‌توانند در اجرای اصلاحات پولی شرارت‌آمیز، به سه شکل در ارزش ذخایر پولی جامعه تغییر ایجاد کنند که عبارتند از «ممنوعیت پول»^۲ به معنای گرفتن شانس خرج کردن موجودی نقدی از مردم، «تضعیف پول»^۳ به معنای کاهش قدرت خرید آن عموماً از طریق ایجاد تورم بالا و نهایتاً «ضبط پول»^۴ به معنای انتشار پول‌های جدید و ضبط پس‌اندازهای مردم و عدم تبدیل وجوه نقد قدیمی.

۶-۱-۲. اصلاح پولی جهت برگشت به نظام دهگانه پول

یکی از دلایل تغییر واحد پول، برگشت به نظام دهگانه است. در گذشته تعداد زیادی از کشورها، پول خود را بر مبنای نظام‌های غیردهگانه منظم کرده بودند ولی روند کلی جهان امروز به سمت پذیرش نظام‌های دهگانه است. در این راستا زیرقطع‌های پول هم در بیشتر موارد در یک سطح تعریف می‌شود.

1. Mischief Currency Reforms
2. Currency Restriction
3. Currency Weakness
4. Currency Confiscation

۷-۱-۲. اصلاح پولی در صورت تغییر حکومت کشور

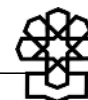
وقتی حکومت کشور تغییر می‌کند، یکی از روش‌های نمایش حاکمیت جدید این است که واحد پول آن کشور تغییر می‌کند. گاه حتی فقط با تغییر اسم تلاش می‌شود که هویت جدید کشور شکلی ملموس بیابد. در بیشتر موارد، پس از روی کار آمدن حکومت جدید، دولت از پول جدیدی استفاده می‌کند که براننده خواسته‌های آن حکومت باشد.

در جریان تغییر واحد پول ملی، فرآیندی ایجاد می‌شود که طی آن وضعیت پول قانونی کشور در واکنش نسبت به برخی تحولات اقتصادی و سیاسی متحول می‌شود. در موارد متعدد، تغییر واحد با تغییر نام نیز همراه است ولی در بسیاری از موارد نام پول حفظ می‌شود ولی فقط با افزودن کلمه جدید، هویت تازه پول مشخص می‌شود. هر پول ملی یک واحد اصلی دارد که واحد اصلی شمارش پول ملی محسوب می‌شود. اهمیت واحد پول در این است که سهولت مبادلات را تضمین می‌کند و در عین حال از نظر مدیریت عرضه و گردش پول، وضعیت بهینه‌ای را به وجود می‌آورد. نابرابرندگی قطع پول سبب بروز اختلال در گردش پول در کشور می‌شود یا هزینه زیادی را برای مدیریت گردش پولی به کشور تحمیل می‌کند.

در کشورهای مختلف، ارزش پول‌ها در طول زمان و نسبت به یکدیگر، در واکنش به وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورها، پیوسته در نوسان است. در همین چارچوب، ارزش واحد پول‌ها هم نسبت به یکدیگر پیوسته در نوسان است. تفاوت ارزش واحد پول ملی کشورها با یکدیگر می‌تواند به دلایل مختلف باشد ولی نباید تصور کرد که این تفاوت لزوماً باید به تغییر واحد پول ملی یک کشور منجر شود.

واحد پول ایران (ریال) با برابری هر دلار آمریکا معادل ۱۰۳۵۰ ریال، چهارمین واحد ارزان جهان محسوب می‌شود. بزرگ‌ترین اسکناس رایج کشور که ۱۰۰ هزار ریالی است، با ۹/۶۶ دلار آمریکا معاوضه می‌شود. به گزارش CIA نرخ رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۱۰ معادل ۳ درصد و نرخ بیکاری ۱۴/۶ درصد و نرخ تورم آن ۱۱/۸ درصد بوده است. بررسی تاریخی نشان می‌دهد که ریال ایران هرگز ارزان‌ترین واحد پول ملی جهان نبوده است. امر واقع این است که در طول زمان و با افت مکرر ارزش ریال در مقابل دلار آمریکا، این پول به مرزی رسیده است که در وضعیت جاری یکی از ارزان‌ترین واحد پول‌های جهان است.^۱

تجربه کشورهای جهان نشان داده که در موارد متعدد در پی تضعیف‌های گسترده در ارزش پول ملی، تغییر واحد پول ملی به شکلی اجتناب‌ناپذیر رخ داده است و در موارد متعدد پس از تغییر



واحد پول ملی، تضعیف ارزش به شکلی غیرقابل کنترل پدیدار شده است. از نظر تاریخی، تغییر واحد پول ملی سابقه‌ای دیرینه دارد که به اواخر قرن پانزدهم باز می‌گردد. عمدتاً یکی از دلایل اصلی اقدام کشورها در تغییر واحد پول ملی، تورم گسترده بوده است. رشد برنامه‌ریزی نشده نقدینگی، منجر به افزایش سطح عمومی تقاضا می‌شود، لذا در صورتی که ساختار تولید و به عبارتی عرضه کالا و خدمات همسان با تقاضا رشد نکند، باعث ایجاد تورم می‌گردد. با وقوع پدیده تورم و آن هم مستمر، مشکلات عدیده‌ای در جامعه ایجاد می‌شود. به طوری که ضمن توزیع ناعادلانه درآمد، کاهش میل به پس‌انداز، افزایش هزینه‌های تولید و کاهش رقابت‌پذیری و میزان تولید و به دنبال آن کاهش صادرات و افزایش بیکاری، باعث کاهش قدرت خرید و به عبارتی کاهش ارزش پول ملی می‌شود. در اثر نرخ‌های تورم بالا طی چند سال متمادی، ارزش پول ملی بسیار کاهش می‌یابد و دولت‌ها برای حل مشکل مبادلات پولی و معاملات مالی ناچار به چاپ اسکناس‌های با مبالغ بالاتر می‌شوند. بعد از مدتی که تورم کنترل نشود، دیگر چاپ اسکناس‌های با مبالغ درشت‌تر پاسخگوی مبادلات مالی و پولی نخواهد بود، از این رو دولت‌ها برای حل این معضل اقدام به تغییر واحد پولی خود می‌کنند. در واقع اصلاح پولی عمدتاً زمانی رخ می‌دهد که پول در گردش نتواند به دلیل بروز تورم گسترده، وظیفه اصلی خود را دنبال کند. البته این نکته را باید متذکر شد که برخی کشورها نیز با تورم شدید مواجه بوده‌اند، اما اقدام به تغییر واحد پول ملی خود نکرده‌اند. برخی از این کشورها عبارتند از: ^۱ (آلبانی: ۱۹۹۲-۲۲۶ درصد)، (ارمنستان: ۱۹۹۴-۴۹۶۲ درصد)، (غنا: ۱۹۸۳-۱۲۳ درصد)، (اندونزی: ۱۹۶۶-۱۱۳۶ درصد)، (قزاقستان: ۱۹۹۴-۱۸۷۷ درصد) و (لبنان: ۱۹۸۷-۴۸۸ درصد). با این حال در ادامه به بررسی تجربه کشورهای موفق و ناموفقی می‌پردازیم که از طریق حذف صفر به تغییر واحد پول ملی خود اقدام کرده‌اند.

۳. تجربه کشورهای اروپای شرقی و مرکزی (تجارب عموماً موفق)

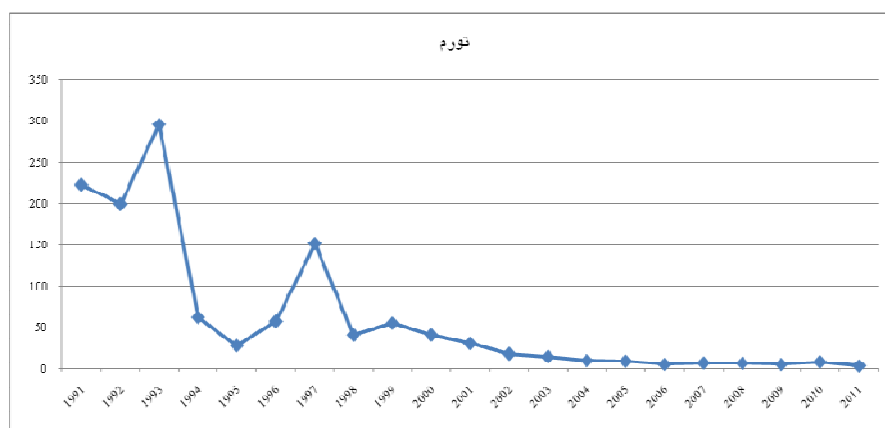
۳-۱. رومانی

کشور رومانی یکی از آخرین نمونه‌های تغییر واحد پول ملی است که پیش از پیوستن به واحد پولی اتحادیه اروپا (یورو)، واحد پول خود را با حذف چهار صفر تغییر داده است. نام پول این کشور در سال ۲۰۰۵ با حذف چهار صفر از «رول» به «رون» تغییر کرده است. بانک مرکزی این کشور یکی

۱. لینا موزلی، حذف صفر در کشورهای درحال توسعه، ترجمه سهیل ایلداری و همکاران، اداره پژوهش و برنامه‌ریزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بهار ۱۳۸۹، ص ۵.

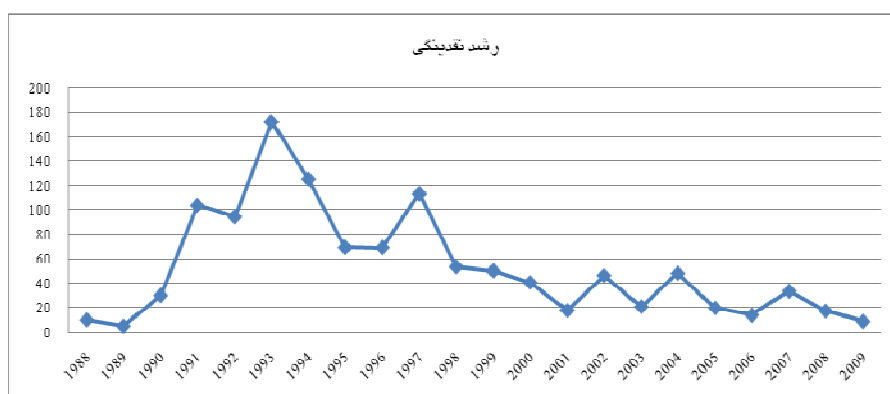
از دلایل اصلی تغییر واحد پول را ارسال این سیگنال به اتحادیه اروپا اعلام می‌کند که پول کشور رومانی مجدداً به‌رغم دوره تورم‌های بالا طی سال‌های ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۵ ارزش خود را باز یافته است. علت اصلی تغییر واحد پول رومانی، کاهش ارزش آن بود که مشکلات متعددی را پدید آورده بود. اما علاقه و منافع ناشی از پیوستن به اتحادیه اروپا نیز محرکی برای اجرای این سیاست بود. در واقع طبق نمودار ۱ روند نزولی تورم نویددهنده آن است که دوره‌های تورم شدید در رومانی به پایان رسیده و مقامات پولی این کشور بر این اعتقادند که تغییر واحد پول، تورم انتظاری را کاهش خواهد داد.^۱

نمودار ۱. روند تورم در کشور رومانی



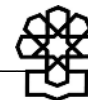
Source: International Monetary Fund, World Economic Outlook Database, October, 2011.

نمودار ۲. روند رشد نقدینگی در کشور رومانی

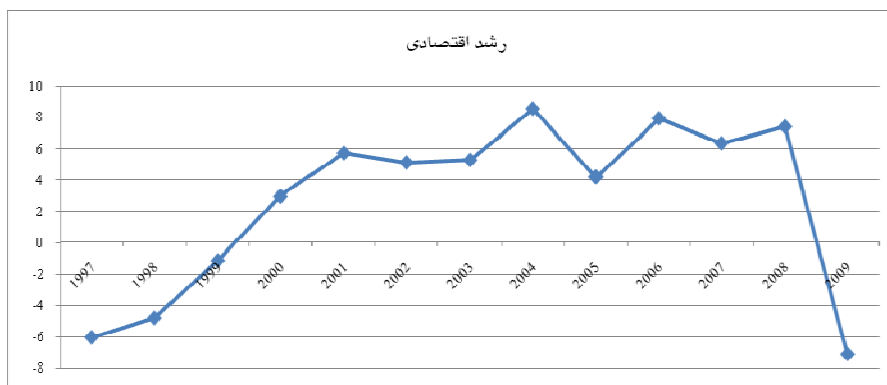


Source: Ibid.

1. Romanian Currency denomination, [http://WWW.roembus.org/Economic/doing business/tn4- Romanian/Currency/ denomination- mar05- eng. PDF](http://WWW.roembus.org/Economic/doing_business/tn4- Romanian/Currency/ denomination- mar05- eng. PDF), 2005.

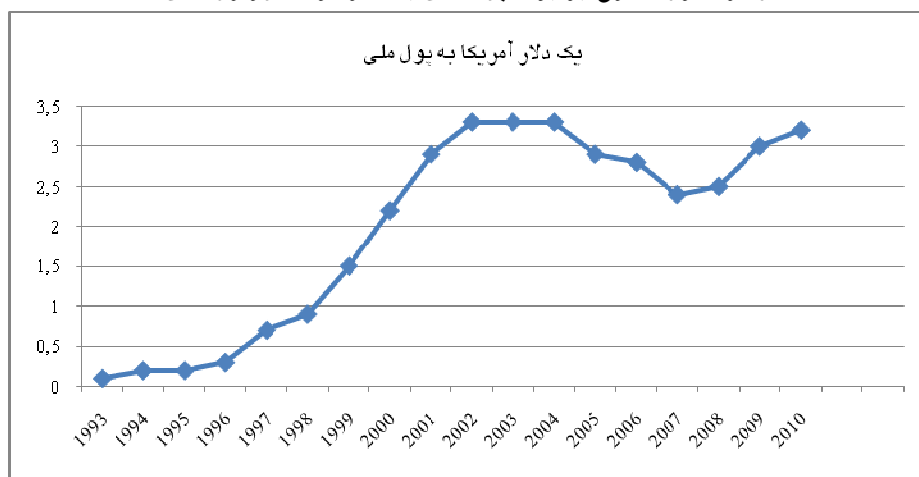


نمودار ۳. روند رشد اقتصادی در کشور رومانی



Source: Ibid.

نمودار ۴. روند نرخ برابری پول ملی به دلار در کشور رومانی



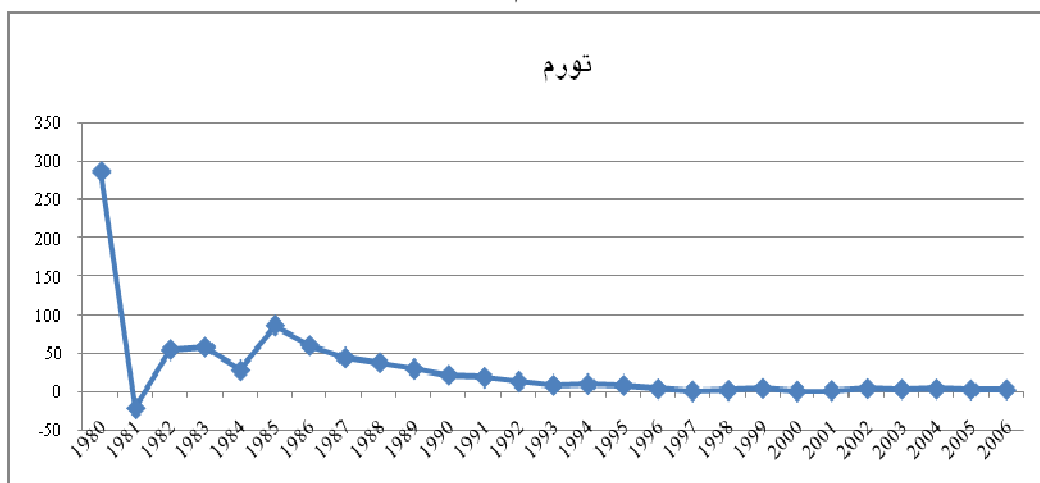
Source: International Monetary Fund, International Financial Statistics, 2011.

نمودارهای ۲ و ۳ نیز نشان می‌دهد که سیاست صفرزدایی سال ۲۰۰۵ رومانی دقیقاً در انتهای اجرای برنامه‌های تثبیت اقتصادی به اجرا درآمده است. صفرهای پول ملی رومانی زمانی کاسته شدند که تورم‌های بالای ۲۵۰ درصد این کشور در سال ۱۹۹۳ در سال ۲۰۰۵ یک رقمی شده بودند. همچنین رشد اقتصادی این کشور به بالاترین نرخ متوسط خود طی یک دهه گذشته از سال ۱۹۹۵ ارتقا یافته بود. نمودار ۴ نیز ادعای حفظ ارزش پول ملی کشور رومانی را برای اجرای سیاست صفرزدایی تأیید می‌کند.

۲-۳. لهستان

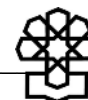
از آنجا که در شوروی سابق، مکانیسم حذف صفرهای پول ملی به کرات اتفاق می‌افتاد و عموماً نتیجه آن ضبط دارایی مردم به نفع دولت و کاهش ارزش وجوه نقد مردم بود، این پیشینه باعث شده بود که مردم کشورهای کمونیستی سابق مثل لهستان و رومانی، دید مثبتی نسبت به تغییر واحد پول ملی نداشته باشند. اجرای این سیاست در کشور لهستان و حذف چهار صفر از پول ملی این کشور با عنوان «زلوتی» در ژانویه سال ۱۹۹۵ باعث شد که مردم گمان کنند که دولت بخشی از دارایی‌های آنها را به نفع خود ضبط کرده است. البته بررسی‌ها نشان می‌دهد که با ثبات اقتصادی و کاهش تورم، مردم این کشور در بلندمدت از اجرای این سیاست منتفع شده‌اند.^۱ نمودار ۵ مؤید این موضوع است.

نمودار ۵. روند تورم در کشور لهستان

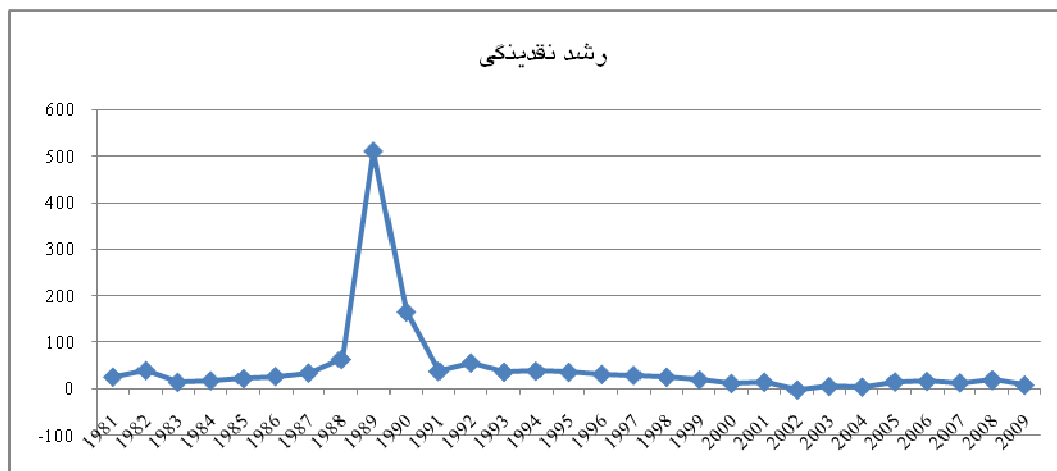


Source: International Monetary Fund, World Economic Outlook Database, October, 2011.

۱. عباس شاکری، اصلاح واحد پولی در کشورهای در حال توسعه با تأکید بر صفرزدایی، پژوهشکده امور اقتصادی، ۱۳۸۸، ص ۴۵.

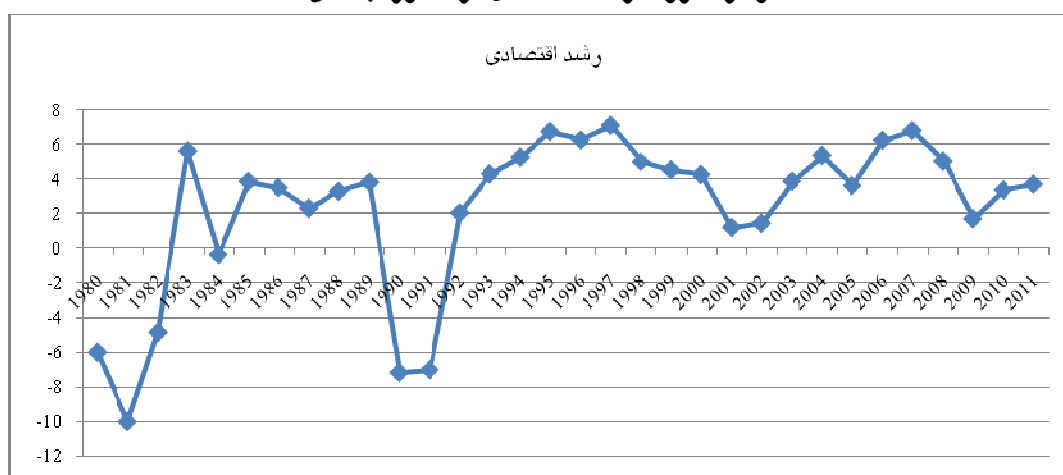


نمودار ۶. روند رشد نقدینگی در کشور لهستان



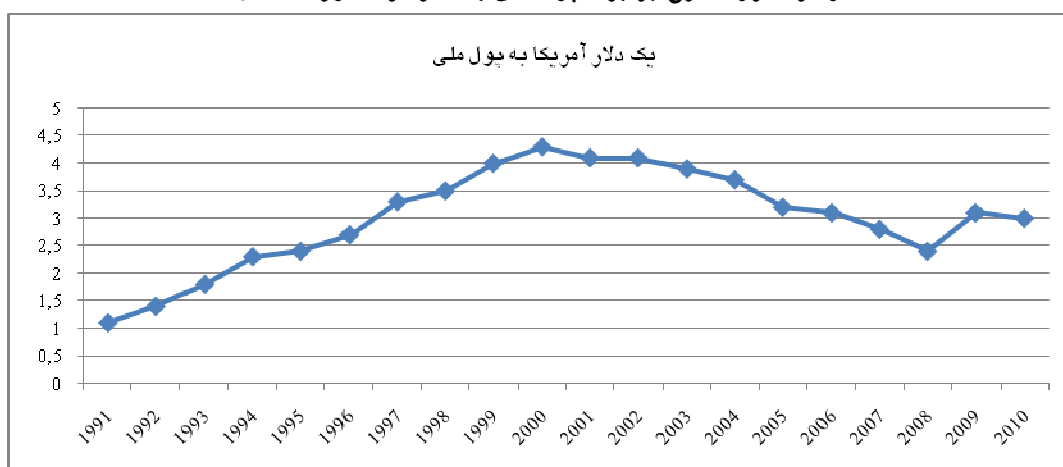
Source: Ibid.

نمودار ۷. روند رشد اقتصادی در کشور لهستان



Source: Ibid.

نمودار ۸. روند نرخ برابری پول ملی به دلار در کشور لهستان

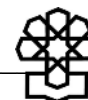


Source: International Monetary Fund, International Financial Statistics, 2011.

برخلاف رومانی، لهستان سیاست صفرزدایی خود را در اواسط دوره تثبیت اقتصادی خود به اجرا درمی‌آورد. لهستان زمانی صفرزدایی می‌کند که هنوز نتیجه مثبت آثار سیاست‌های اصلاحی به‌طور ملموس حس نشده بود. در واقع این سیاست در لهستان، دیگر کاربرد ارسال سیگنال اتمام دوره سخت اقتصادی به مردم را نداشت، بلکه به نوعی دولت با اجرای این سیاست در پی آن بود که به مردم تأکید کند در انجام سیاست‌های اقتصادی متفاوت نسبت به گذشته بسیار جدی است. دستاوردهای مثبت رومانی در لهستان تکرار نشد، بلکه همان‌گونه که نمودار ۸ نیز نشان می‌دهد، پس از اجرای سیاست صفرزدایی، ارزش واحد پول این کشور کماکان نسبت به ارزش‌های معتبر بین‌المللی کاهش یافت و نرخ رشد اقتصادی لهستان نیز طبق نمودار ۷ تا سال ۲۰۰۳ به روند نزولی خود ادامه داد. با این وجود از آنجا که بسته تثبیت اقتصادی کشور لهستان با موفقیت به اجرا درآمد و لهستان تبدیل به یکی از موفق‌ترین کشورهای در حال گذار شد، سیاست صفرزدایی این کشور هیچ‌گاه یک سیاست شکست‌خورده تلقی نشده است.

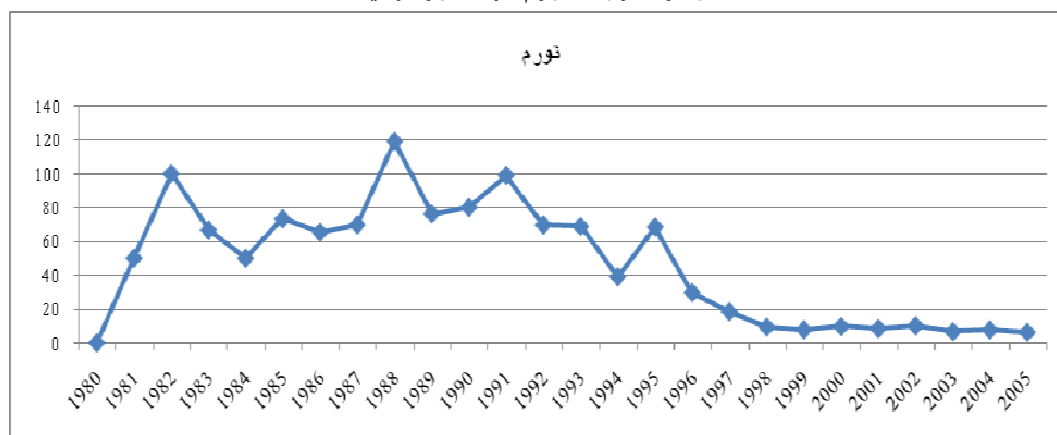
۳-۳. ترکیه

ترکیه در یک اقدام متهورانه در سال ۲۰۰۵، ۶ صفر از واحد پول خود را حذف کرد و لیر جدید ترکیه را به جریان انداخت. شرایط تورمی این کشور که از دهه ۱۹۷۰ آغاز شده بود، سبب شد برای بیان ارزش‌های پولی از میلیارد و تریلیون و حتی بالاتر استفاده شود. در این فرآیند، به تقاضای پول جامعه از طریق چاپ اسکناس‌های درشت‌تر پاسخ داده می‌شد و از سال ۱۹۸۱ به‌طور متوسط هر دو سال یک‌بار، افزایش قطع اسکناس صورت می‌گرفت، لذا ترکیه صاحب درشت‌ترین اسکناس دنیا یعنی ۲۰ میلیون لیر شده بود. انتشار قطعات پولی بزرگ، اقبال عمومی مردم را به پول ملی تضعیف کرده بود. برای مثال تنظیم موافقتنامه‌های اجاره به پوند و خرید به دلار و یا یورو به جای لیر در مناطق توریستی رواج یافته بود. همچنین واحد پول این کشور توانایی خود در انجام موفقیت‌آمیز وظایف تعریف شده از جمله انجام محاسبات، نگهداری حساب‌ها، ثبت آمارها و تسویه نقدی معاملات را از دست داده بود. دولت ترکیه برای اولین بار، پیشنهاد تغییر واحد پول کشور را در سال ۱۹۸۰ به پارلمان ارائه کرد و همزمان با این اقدام بسته اصلاحات اقتصادی خود را نیز با معرفی برنامه توسعه براساس استراتژی‌های نوین آغاز کرد. در این راستا ارائه نرخ‌های بهره بالا توسط بانک‌ها در جهت جذب سپرده‌ها منجر به بحران مالی شد و ازسوی دیگر به دلیل اجرای سیاست‌های اقتصادی انبساطی که شامل افزایش نرخ دستمزدها در جهت جبران نرخ تورم بالا بود، بدهی‌های بخش عمومی افزایش یافت و بدین ترتیب روند تسویه بدهی‌های خارجی با مشکل مواجه



شد. در هر حال این اقدامات و سایر اقداماتی از این قبیل، نتایج مطلوبی در راستای کاهش تورم دربر نداشت. زیرا نرخ تورم سالیانه از ۶۰ درصد در اوایل دهه ۱۹۸۰ به ۷۵ درصد در سال ۱۹۸۸ و ۱۰۰ درصد در سال ۱۹۹۴ رسید. سرانجام در نیمه دوم سال ۱۹۹۴ این اقدامات اصلاحی نتیجه داد و ارزش لیره شروع به تقویت کرد و از اواسط این سال نرخ ارز به‌عنوان لنگر اسمی برای مقابله با تورم به‌کار گرفته شد. با تقویت ارزش پول در سال ۱۹۹۵، تحولات پولی و ارزی رو به بهبود نهاد، اگرچه کماکان روند نقدینگی فزاینده بود و مشکلاتی در زمینه تثبیت اقتصادی وجود داشت، اما رشد نقدینگی و افزایش شدید اعطای اعتبار به دولت موجب تشدید تورم در این سال و اوایل سال ۱۹۹۶ شد. با این روند در نهایت در دسامبر سال ۱۹۹۹، ترکیه برنامه جدید اقتصادی خود را طراحی کرد که هدف آن کاهش تورم و بازگرداندن اعتماد به پول ملی بود. این برنامه تحت نظارت صندوق بین‌المللی پول اجرا شد و در سه سال اول برنامه حدود ۴ میلیارد دلار تحت قرارداد موافقتنامه (Stand-by) از صندوق بین‌المللی پول وام دریافت شد. همچنین قرار بود با اجرای این برنامه، نرخ تورم ترکیه از ۷۰ درصد در پایان سال ۱۹۹۹ به ۲۵ درصد در پایان سال ۲۰۰۰ و به عدد تکریمی تا پایان سال ۲۰۰۲ برسد. سه محور اصلی این برنامه عبارت بود از: سیاست مالی انقباضی، اصلاحات ساختاری و نرخ ارز ثابت.^۱

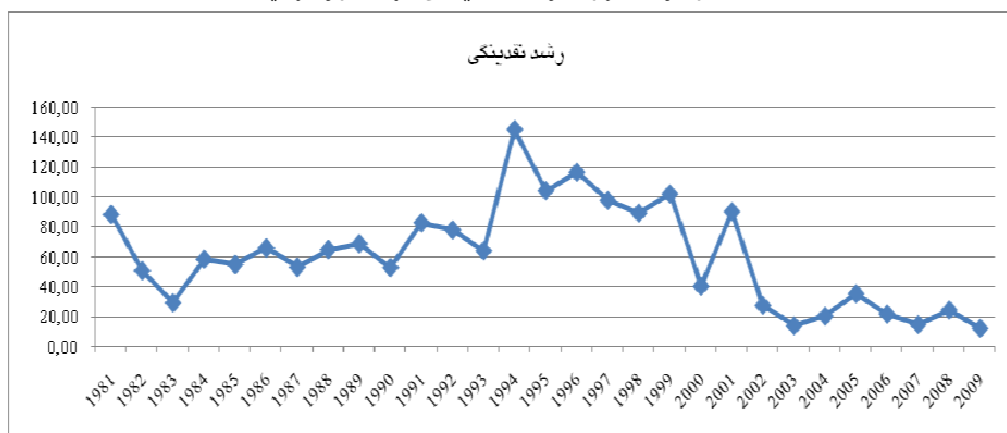
نمودار ۹. روند تورم در کشور ترکیه



Source: International Monetary Fund, World Economic Outlook Database, October, 2011.

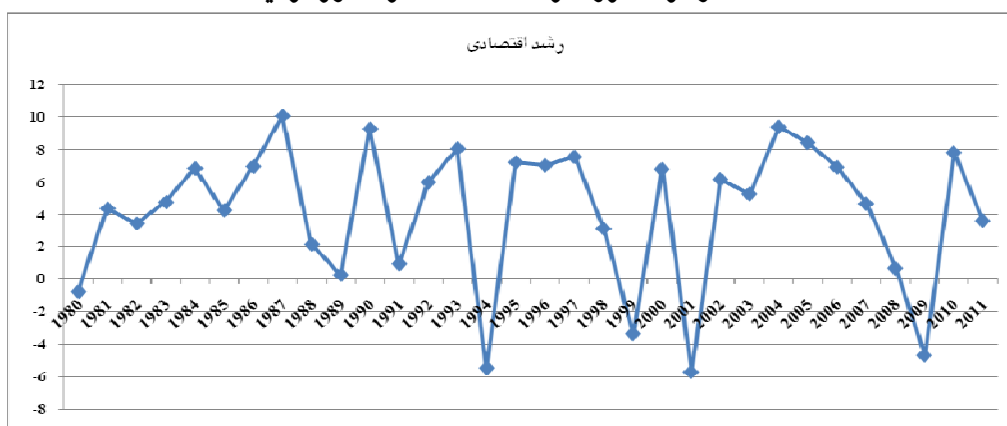
۱. سرور ملکان، ترکیه، تجربه‌ای موفق در رفورم پولی و اصلاحات ساختاری، مجله تازه‌های اقتصاد، ش ۱۲۷، ۱۲۸۹، ص ۸۲.

نمودار ۱۰. روند رشد نقدینگی در کشور ترکیه



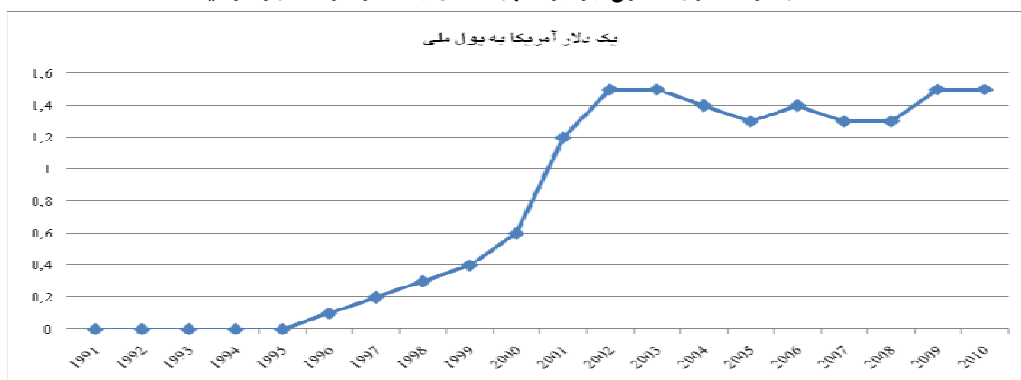
Source: Ibid.

نمودار ۱۱. روند رشد اقتصادی در کشور ترکیه

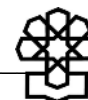


Source: Ibid.

نمودار ۱۲. روند نرخ برابری پول ملی به دلار در کشور ترکیه



Source: International Monetary Fund, International Financial Statistics, 2011.



هدف نهایی سیاست مالی انقباضی این بود که مخارج دولت را با حفظ سطح حداقل دستمزدها کاهش دهد. به علاوه با سیاست مالی انقباضی، اصلاحات ساختاری (نظیر خصوصی سازی، تغییر نظام حمایتی بخش مالی و کشاورزی) و اصلاحات نظام بانکی سعی شود بدهی بخش عمومی تثبیت شود. همچنین برای دستیابی به ثبات بدهی عمومی دولت، انتظار می رفت کاهش پایدار در حجم قروض دولت ایجاد شود. این موارد در واقع مهمترین عواملی بودند که اقتصاد ترکیه را برای دهه های متوالی دچار مشکلات عدیده ای از جمله تورم بالا کرده بودند. اگرچه اصلاحات مالی برای دستیابی به ثبات اقتصادی مهم بود، لکن بدون همگامی سیاست پولی سازگار با آن، بی معنی بود.

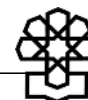
محور برنامه تثبیت اقتصادی صندوق بین المللی پول را انقباض مالی و ایجاد تعادل در حساب جاری تشکیل می داد. در واقع کسری شدید این حساب، قلب مشکلات ترکیه محسوب می شد. کسری حساب جاری ترکیه در سال ۲۰۰۰ به ۵/۶ میلیارد دلار رسید که ۵۵ برابر سال قبل از آن بود. کسری تراز بازرگانی نیز در این سال به ۹/۸ میلیارد دلار رسید که نسبت به سال قبل از آن ۱۳۹ درصد رشد داشت. همچنین قروض دولت برای تأمین مالی خدمات عمومی نقطه ضعف دیگر بخش مالی را تشکیل می داد، زیرا از یک طرف هزینه این گونه خدمات را افزایش داده بود و از طرف دیگر، موجب بروز ازدحام بیرونی شده بود که بخش خصوصی را ناتوان از دریافت وام کرده بود. دولت ترکیه مخارج خود را بازنگری کرد و اخذ وام از بخش عمومی و خصوصی داخلی را تخفیف داد که موجب شد مانده بدهی های داخلی دولتی کاهش یابد. سپس نظام ارزی شناور خرنده را در سال ۲۰۰۰ معرفی کرد که مبین انتخاب نرخ بهره به عنوان لنگر سیاستی بود. به این ترتیب سقوط قابل توجه نرخ بهره، نتیجه کاهش پایدار انتظارات تورمی و حاشیه ریسک بود. در عین حال، دولت قادر به پرداخت بدهی داخلی از طریق افزایش مالیات ها، سرعت بخشیدن به جریان خصوصی سازی و اتخاذ سیاست های پولی ضد تورمی شد که متعاقب آن رشد کسری بودجه دولت روند نزولی به خود گرفت. سیاست پولی نیز با تعیین میزان نرخ ارز، این اثر را داشت که به عنوان یک ابزار تثبیت کننده خودکار، عدم تعادل های ناشی از سیاست های مالی و دیگر تغییرات برونزا را خنثی کند. در ترکیه انتخاب این سیاست، به همراه کاهش نرخ بهره، موجب بهبود حس اعتماد سرمایه گذاران شد. تفاوت این برنامه با سایر برنامه های تثبیت اقتصادی در ترکیه در این نکته بود که این بار هدف نه تنها کاهش نرخ تورم، بلکه کاهش انتظارات تورمی نیز بود.

در واقع ترکیه برنامه کنترل تورم خود را نه تنها برای دستیابی به تثبیت اقتصادی بلکه به منظور فراهم آوردن زمینه مساعد جهت الحاق به اتحادیه اروپا دنبال کرد. در نتیجه اجرای این برنامه در سال ۲۰۰۰، تولید ناخالص داخلی ۷ درصد رشد یافت و پهنای ۲۰ درصد برای تغییرات

نرخ ارز ثابت خزنده تعیین شد. نمودار ۱۲ نشان می‌دهد که ارزش پول ترکیه نسبت به دلار آمریکا طی یک دهه منتهی به صفرزدایی، دائماً رو به کاهش بوده است. همچنین نرخ بهره کاهش یافت و نرخ تورم سال ۲۰۰۰ نسبت به سال قبل به ۴۴ درصد رسید و جریان ورود سرمایه خارجی در اثر افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران افزایش یافت. در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ نیز برنامه تثبیت اقتصادی ترکیه با حمایت صندوق بین‌المللی پول دنبال شد. متعاقب آن در سال ۲۰۰۴ نرخ تورم ترکیه یکرقمی شد که زمینه مساعدی را برای اجرای برنامه رفورم پولی فراهم آورد. بدین ترتیب همراه با دستاوردهای حاصل از برنامه تثبیت اقتصادی، اعتبار مالی کشور در بازارهای بین‌المللی نیز بهبود یافت. همان‌طور که نمودار ۹ روند تغییرات تورم ترکیه نشان می‌دهد، با کاهش رشد این متغیر، زمینه اجرای برنامه تغییر واحد پول فراهم آمده است، لکن پس از اجرای برنامه در اول ژانویه سال ۲۰۰۵، نرخ تورم در این کشور افزایش نیافت و تا سال ۲۰۰۹ در سطح باثباتی باقی ماند و سپس رو به افول نهاد. البته در این فرآیند همکاری دولت و بانک مرکزی (در عین استقلال بانک مرکزی) و مردم و وجود اعتماد متقابل میان آنها به‌عنوان یک عامل کلیدی نباید فراموش شود. نتیجه‌ای که از تجربه ترکیه می‌توان گرفت این است که این کشور ابتدا برنامه‌های اصلاحات نهادی، حقیقی و اقتصادی انجام داد. چند برنامه تعدیل اجرا کرد. از فرصت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد شده نیز خوب استفاده کرد. حمایت‌های مؤسسات مالی بین‌المللی و کشورهای صنعتی را هم جلب کرد و از طریق برنامه‌های تعدیل ساختار اقتصادی خود را اصلاح کرد. قوانین مالیاتی مناسب و نظام مالیاتی کارآمد وضع کرد. سپس با یک برنامه تثبیت، تورم خود را مهار کرد و نهایتاً به‌عنوان یک اقدام کلی و اعتمادساز و به‌منظور مرتفع کردن مشکل ارقام اسمی بالا در محاسبات، حسابداری و معاملات اقدام به حذف ۶ صفر از پول خود کرد و بعد از آن هم تورم این کشور به‌صورت یکرقمی باقی مانده که این خود گویای این است که این کشور به ثبات اقتصادی دست یافته است.

۴. تجربه کشورهای آمریکای لاتین (تجارب عموماً ناموفق)

واقعیت این است که بی‌ثباتی‌های کلان بعد از جنگ جهانی دوم، کشورهای آمریکای لاتین را به سمت انجام پاره‌ای اصلاحات پولی هدایت کرد. کشور آرژانتین طی دوره ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۹ تنها چهار بار پول خود را تغییر داد. کشور برزیل نیز طی دهه ۱۹۸۰ چهار بار واحد پول خود را تغییر داد. در

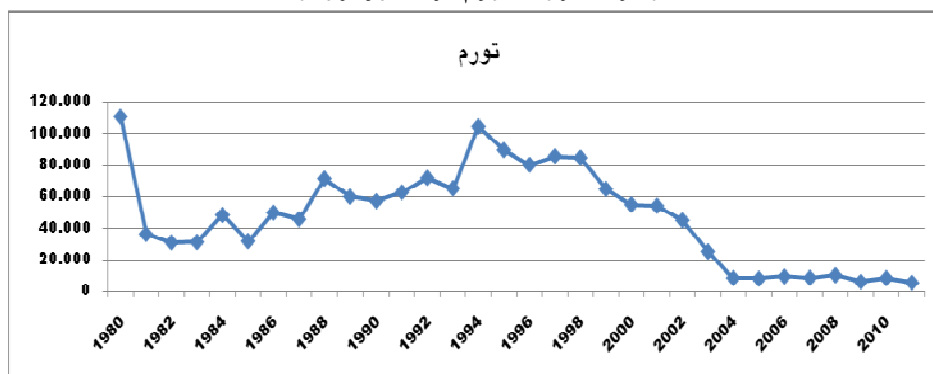


ادامه این قسمت مروری از عملکرد کشورهای آمریکای لاتین در سیاست‌های تغییر واحد پول این کشورها ارائه خواهد شد.

۴-۱. اروگوئه

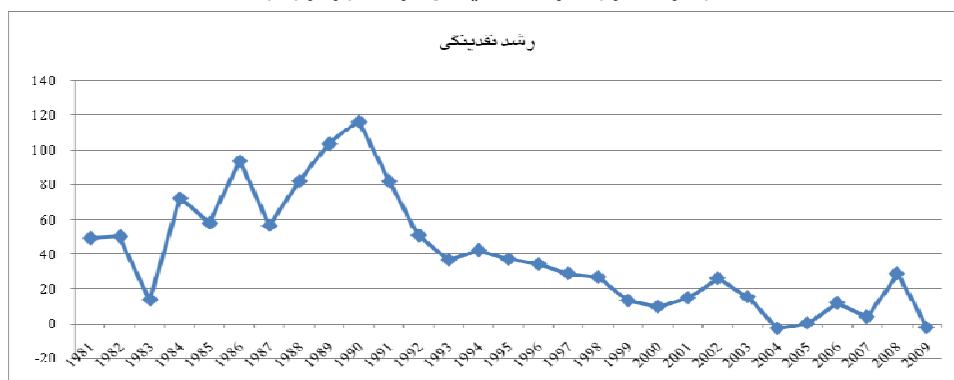
به‌خاطر بروز تورم مستمر و بالا در اقتصاد اروگوئه، از اوایل دهه ۱۹۶۰ پدیده جانشینی پول در این کشور بروز کرد. از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۵ اقتصاد این کشور با رکود، تورم بالا و نرخ‌های بهره منفی مواجه شد. بعد از بحران ۱۹۶۵ این کشور، دولت بر سیستم بانکی و تخصیص وام و ارز خارجی کنترل شدیدی اعمال کرد. تا اوایل دهه ۱۹۷۰ سیاست درون‌نگر و صنعتی شدن مبتنی بر جایگزینی واردات به حد ظرفیت بازار کوچک این کشور رسید. فرار سرمایه و دلاری شدن اقتصاد منجر به نگهداری مخفی دلار یا سپرده‌گذاری در بانک‌های خارجی شد. دولت این کشور هم در سال ۱۹۷۴ ابتدا یک فرآیند آزادسازی و مقررات‌زدایی را آغاز کرد که تورم رکودی و سرکوب مالی را پایان دهد. در کنار این اقدام در جولای ۱۹۷۴ اقدام به تغییر واحد پول خود کرد.

نمودار ۱۳. روند تورم در کشور اروگوئه



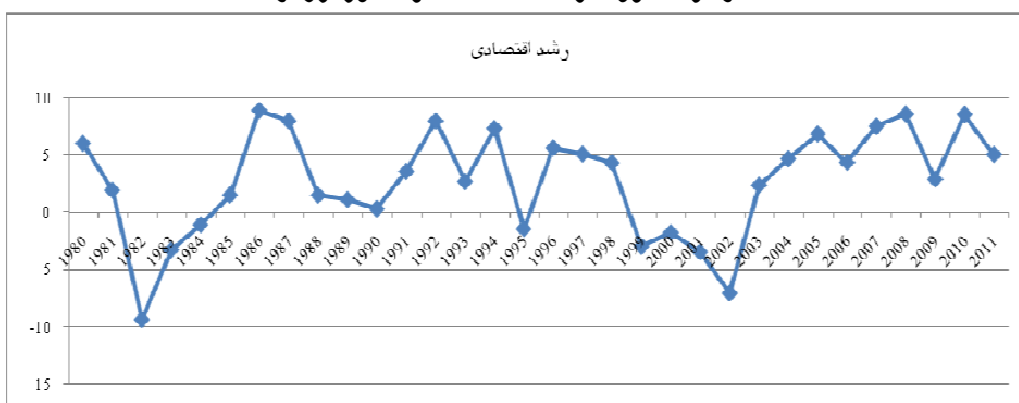
Source: International Monetary Fund, World Economic Outlook Database, October, 2011.

نمودار ۱۴. روند رشد نقدینگی در کشور اروگوئه



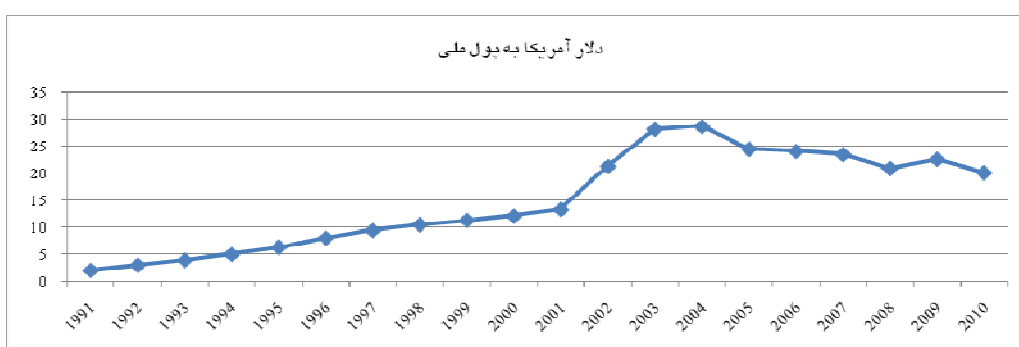
Source: Ibid.

نمودار ۱۵. روند رشد اقتصادی در کشور اروگوئه



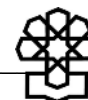
Source: Ibid.

نمودار ۱۶. روند نرخ برابری پول ملی به دلار در کشور اروگوئه



Source: International Monetary Fund, International Financial Statistics, 2011.

با تغییر واحد پول ملی، نام پول ملی کشور اروگوئه از پزو به «نیو پزو» تغییر یافت و هر واحد پول جدید معادل ۱۰۰۰ واحد پول قدیم تعریف شد. اما ظاهراً بی‌ثباتی و تورم در این کشور به دنبال



انجام این اصلاح پولی محدود و مرتفع نشد، به‌گونه‌ای که در سال ۱۹۹۰ تورم در این کشور به ۱۱۳ درصد بالغ شد و در سال ۱۹۹۱ نیز معادل ۱۰۲ درصد بود، لذا این کشور در اول مارس ۱۹۹۳ تصمیم مجدد به اصلاح پول گرفت و با حذف سه صفر از پول ملی خود نام پول را از «نیوپزو» به «پزو اروگوئه» تغییر داد و هر واحد «پزو اروگوئه» را معادل ۱۰۰۰ واحد «نیوپزو» اعلام کرد.

درواقع بین سال‌های ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۸ «پزو اروگوئه» قابل تبدیل به دلار شد و کنترل نرخ بهره نیز برداشته شد. از سپتامبر ۱۹۷۴ مردم می‌توانستند هر مقدار پول خارجی نگهداری کنند و قراردادهای را با پول خارجی منعقد کنند. به‌دنبال شدت گرفتن تورم، نگهداری دلار شدت گرفت. مردم برای انجام معاملات به‌جای پزو، دلار نگهداری می‌کردند اما از طرف دیگر مردم تمایل داشتند که سبدهای خود را از دلار به سمت دارایی‌های مالی در نظام مالی اروگوئه منتقل کنند. بین سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۱ دولت برای تثبیت ترازپرداخت‌ها نرخ تضعیف را خود اعلام می‌کرد و این تضعیف به‌اندازه تفاوت تورم داخلی با خارجی بود. لذا پول این کشور بیش از حد واقعی ارزشگذاری می‌شد و بخش خارجی را به‌طور منفی تحت تأثیر قرار می‌داد. به‌خاطر ارزشگذاری بالای پزو و ریسک اندک تضعیف پول (به خاطر اعلام نرخ آن از قبل) یک تفاوت بهره‌ای نسبت به نفع دارایی‌های منتشر بر حسب پزو وجود داشت. این عوامل تبدیل و نگهداری خارجی به سپرده‌های پزو را موجب شد و جریان‌ات سرمایه خارجی را به کشور خصوصاً از ناحیه آرژانتین جلب کرد. در سال ۱۹۸۲ در این کشور کنترل نرخ ارز برداشته شد و ارز شناور شد و با افزایش کسری مالی و از بین رفتن تقاضای صادرات به‌خاطر کاهش قیمت پزو آرژانتین در مقابل پزو اروگوئه، رکود قوی اتفاق افتاد. سطح جانشینی پولی نیز کاهش یافت و جریان‌ات خروج سرمایه، ناپایداری نظام مالی این کشور را تشدید کرد. بعد از تضعیف شدید پزو اروگوئه و بحران مالی سال ۱۹۸۲، محیط کلان اقتصادی این کشور نسبتاً پایدار شد. برخلاف عمده کشورهای آمریکای لاتین، اروگوئه مشکل بدهی خارجی نداشت. مقامات این کشور نیز با وجود دخالت قوی دولت از یک سیاست نرخ ارز سازگار تبعیت می‌کردند.^۱ در هر صورت فرآیند جانشینی دلار در اهداف معاملاتی و سوداگری در دهه ۱۹۸۰ تداوم یافت. کالای بادوام، دارایی مالی حقیقی، اتومبیل و ماشین‌آلات برحسب دلار خرید و فروش می‌شدند. حتی بانک‌های دولتی سپرده‌های برحسب دلار شاخص‌بندی شده را نگهداری می‌کردند.

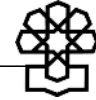
از دسامبر ۱۹۸۱ تا ژوئن ۱۹۸۹ ارزش حقیقی سپرده‌ها برحسب پزو به‌طور متوسط ۷/۷ درصد در سال کاهش یافت درحالی‌که ارزش سپرده‌های دلاری ۱۱/۶ درصد رشد داشت. همان‌طور که در نمودار ۱۳ مشاهده می‌شود، از ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۱ این کشور تورم‌های بالایی را تجربه

1. Classen, E.M. & J. Dela cruz-martnez, (1994), "Dollarization and its impact on the economy: Argentina, Bolivia, and Uruguay", Inter-American Development Bank Working Papers Series, Vol 168. pp 1-52.

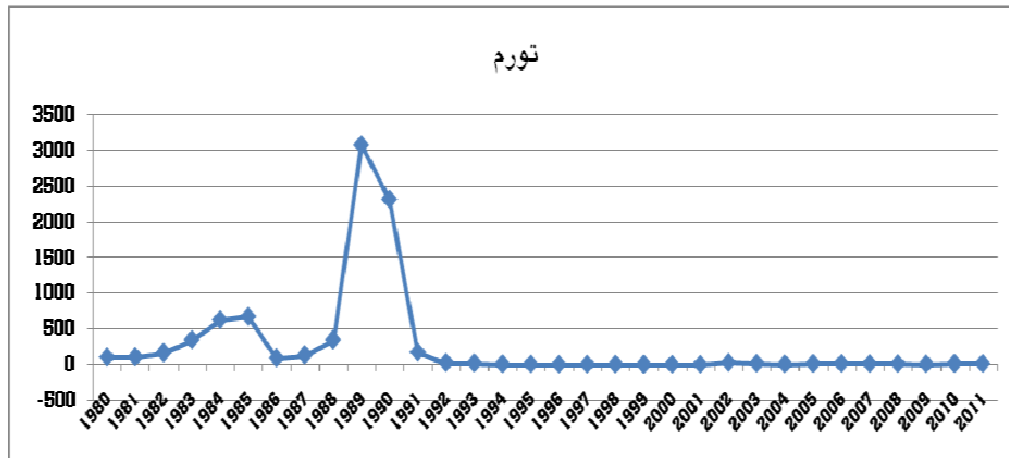
کرد. اما نرخ ارز آن کشور با ثبات بود نسبت بدهی مالی به تولید ناخالص داخلی نیز کم بود. در عین حال جانشینی پول حدود ۸۰ درصد بود که موجب شد فعالیت اعتباری سیستم بانکی این کشور با مشکل مواجه شود. این نگرانی مقامات پولی این کشور منجر به اصلاحات بخش مالی شد که ظرفیت واسطه‌گری را توسعه داد و نهادهای مقرراتی و نظارتی را تقویت کرد. این امر موجب توسعه بازار سرمایه شد. در چنین شرایطی اصلاح دوم پولی این کشور انجام شد و به نظر می‌رسد که اصلاح دوم پولی این کشور در ۱۹۹۱ از اصلاح پولی اول در ۱۹۷۴ موفق‌تر بوده است. همانند کشور پرو، دلیل موفقیت اصلاح پولی دوم، اصلاحات نهادی و اقدامات سیاستی اصلاحی قبل از آن بوده است.

۲-۴. آرژانتین

در آرژانتین در دهه ۱۹۶۰ و در سال ۱۹۶۲ هر دلار آمریکا معادل ۱۱۰۰ پزو و در سال ۱۹۶۹ معادل ۳۵۰۰ پزو بود. آرژانتین در سال ۱۹۷۰ واحد پول ملی خود را تغییر داد و دو صفر از آن حذف کرد اما مجدداً در دهه ۱۹۸۰ و در سال ۱۹۸۰ هر دلار آمریکا معادل ۱۸۰۰۰ پزو جدید و در سال ۱۹۸۲ معادل ۱۸۰۰۰۰ پزو جدید شد. مجدداً در سال ۱۹۸۳ این کشور چهار صفر از پول خود حذف کرد و ارزش اسمی پول خود را به ۱۰۰۰۰ تقسیم کرد و پول خود را از پزو آرژانتین به «آسترال» تغییر داد و هر واحد «آسترال» را معادل ۱۰۰۰۰ پزو آرژانتین تعیین کرد. این کشور در فاصله زمانی ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۲ به‌طور متوسط نرخ تورم ۲۶۷ درصد را تجربه کرد و تورم در این کشور در سال ۱۹۸۳ معادل ۳۴۴ درصد، در سال ۱۹۸۴ معادل ۶۲۷ درصد در سال ۱۹۸۵ برابر ۶۷۲ درصد بود. همچنین در سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۹ نرخ متوسط تورم در این کشور ۳۰۸ درصد و در سال ۱۹۹۰ معادل ۳۱۴۰ درصد بود. طبق نمودار ۱۷، آمارهای مربوط به تورم در سال‌های بعد از ۱۹۸۵ گویای این است این اقدام نه تنها موجب کاهش تورم نشد بلکه وضعیت آن را بدتر هم کرد. بنابراین این کشور در اول ژانویه ۱۹۹۲ نام پول خود را از «آسترال» مجدداً به «پزو آرژانتین» تغییر داد و اینجا نیز هر واحد «پزو آرژانتین» را معادل ۱۰۰۰۰ «آسترال» اعلام کرد و پس از آن هر دلار را برابر یک پزو اعلام و تثبیت کرد.

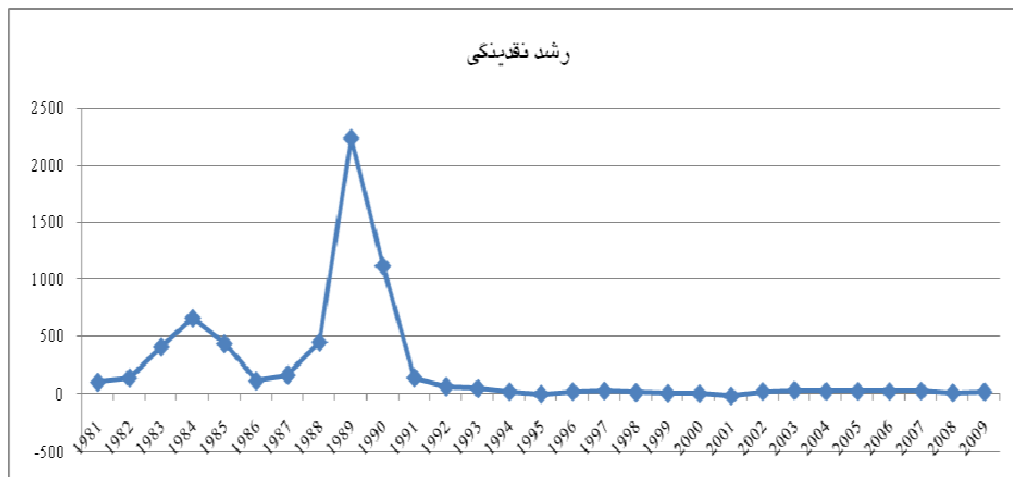


نمودار ۱۷. روند تورم در کشور آرژانتین



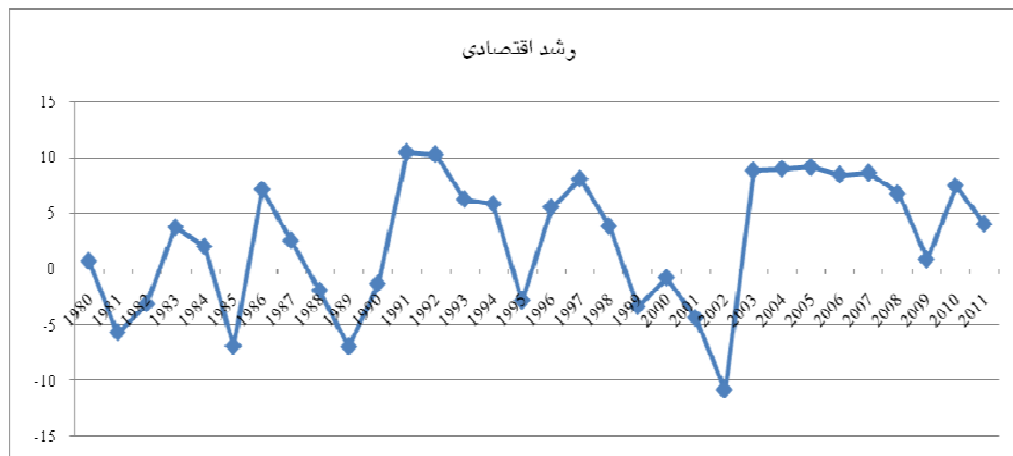
Source: International Monetary Fund, World Economic Outlook Database, October, 2011.

نمودار ۱۸. روند رشد نقدینگی در کشور آرژانتین



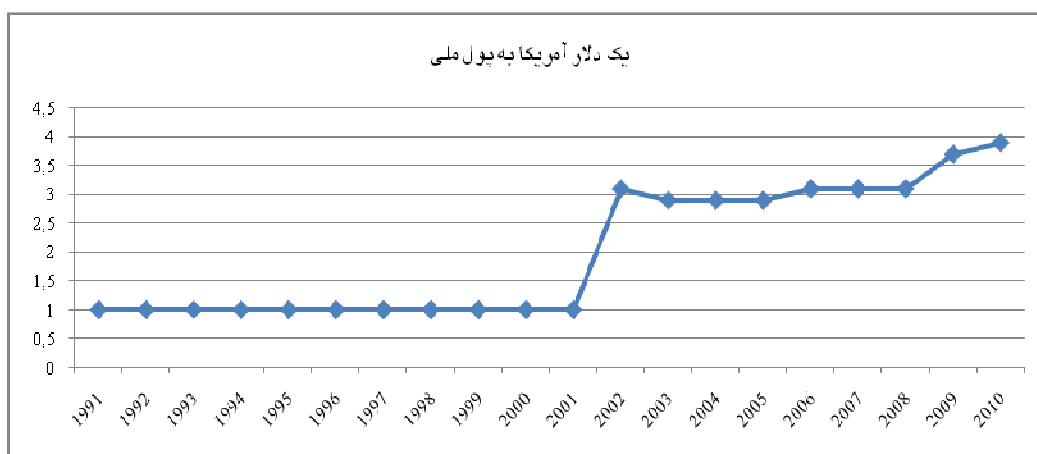
Source: Ibid.

نمودار ۱۹. روند رشد اقتصادی در کشور آرژانتین



Source: Ibid.

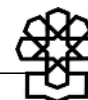
نمودار ۲۰. روند نرخ برابری پول ملی به دلار در کشور آرژانتین



Source: International Monetary Fund, International Financial Statistics, 2011.

به هر حال بعد از سال ۱۹۹۲ و حذف صفر از پول ملی، تورم در آرژانتین به سرعت رو به کاهش گذارد و از ۱۷۱/۷ درصد در سال ۱۹۹۱ به ۰/۹ درصد در سال ۱۹۹۸ کاهش یافت. تا سال ۲۰۰۱ هر دلار آمریکا معادل یک پزو ثابت باقی ماند و این امر باعث شده بود واردات برای کشور ارزان شود و صنایع آن کشور متضرر شوند، لذا این امر موجب افزایش بیکاری در آن کشور شد و در سال ۱۹۹۹ رشد تولید ناخالص ملی آرژانتین ۴ درصد کاهش یافت. با این شرایط در سال ۲۰۰۱ این کشور رژیم نرخ ارز ثابت را رها کرد. به دنبال آن نرخ تورم از مقدار تقریباً صفر به ۲۵/۹ در سال ۲۰۰۲ افزایش یافت ولی بعد از آن سال متوسط نرخ تورم به ۹/۶ درصد کاهش یافت و نرخ ارز این کشور حدوداً ۳ پزو برای هر دلار شد و از آن به بعد اقتصاد آرژانتین در مسیر بهبود قرار گرفت. برخی معتقدند که بروز رکود در سال ۱۹۹۹ در آرژانتین نتیجه حذف صفر از پول ملی این کشور (در سال ۱۹۹۲) بوده است. در حالی که این رکود به خاطر وضع نرخ ارز ثابت و قفل کردن ارزش پزو در مقداری بیش از ارزش واقعی آن بود که واردات را ارزان‌تر می‌ساخت و صنایع داخلی را تضعیف کرد و موجب بیکاری گسترده در اقتصاد شد. البته سیاست ارزی فوق به‌عنوان یک اقدام مکمل بعد از حذف صفر از پول ملی، موجب شد مردم در آرژانتین سپرده‌گذاری دارایی‌های خود را به دلار تبدیل کنند لذا دلار تا حد قابل ملاحظه‌ای جانشین پول ملی شد و فرار دلار به کشورهای خارج نیز صورت گرفت که به بروز رکود کمک کرد.

اگر بخواهیم علل این اصلاحات پولی آرژانتین را بررسی کنیم باید بعضی از تغییرهای اقتصادی این کشور را مورد مطالعه قرار دهیم. هر دلار معادل ۳۰۰ پزو آرژانتین در سال ۱۹۷۶ بود و در سال ۱۹۷۹ این رقم به ۱۴۰۰ رسید. یعنی به‌طور متوسط سالیانه ۹۲ درصد پول این



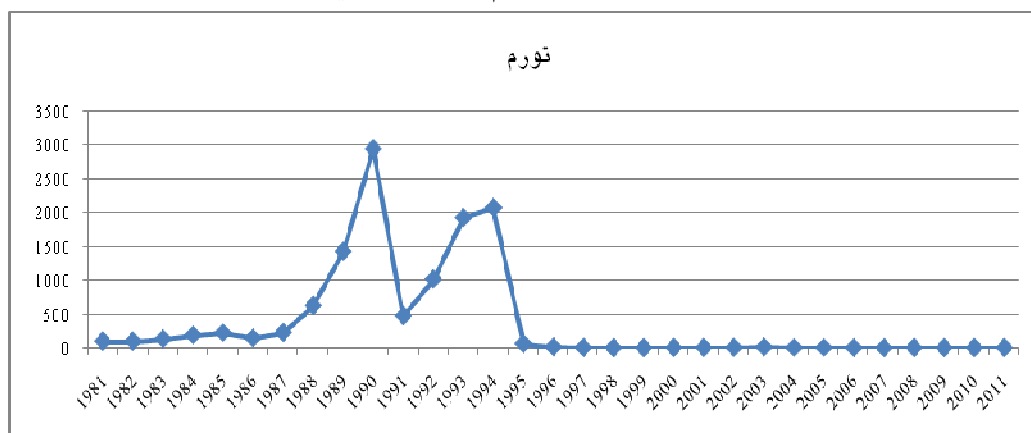
کشور تضعیف شد. نرخ ارز از ۴۵۰۰ پزو برای هر دلار در فصل دوم سال ۱۹۸۱ به ۶۷۳۰۰ پزو برای هر دلار در فصل اول سال ۱۹۸۳ افزایش یافت. وضع محدودیت واردات هم نتوانست کمکی به این وضعیت بکند. ذخایر ارزی این کشور تحت فشار بود. حساب سرمایه ترازپرداخت‌های این کشور دربردارنده وام از منابع مختلف خارجی بود. در سال ۱۹۸۱ سرمایه‌گذاری مستقیم و سرمایه بلندمدت به ۸/۸ میلیارد دلار بالغ می‌شد اما در سال ۱۹۸۲ حساب سرمایه کشور رو به افول گذاشت. تضعیف مکرر پول ملی باعث افزایش بهره‌های پرداختی کشور برحسب پزو به خارج بود. این کشور همچنین با کسری بودجه شدید مواجه بود که با رشد عرضه پول تأمین می‌شد. در سال‌های ۱۹۸۱ - ۱۹۸۲ تورم رو به رشد گذاشت. در اولین فصل سال ۱۹۸۳ تورم حدود ۴۴/۷ درصد بود و در اولین فصل این سال نقدینگی حدود ۶۰ درصد افزایش یافت. تورم موجب کاهش ارزش پول و کاهش ارزش پول موجب تورم می‌شد. این کشور در ماه ژوئن سال ۱۹۸۳ تصمیم به تغییر واحد پول خود گرفت و هر واحد پزو آرژانتین را معادل ۱۰۰۰۰ پزو قبلی اعلام کرد، اما در فصل دوم سال ۱۹۸۳ رشد عرضه پول به ۵۲/۱ افزایش یافت و تورم هم در این فصل ۳۷/۳ درصد شد. اجرای این تغییر، نه توانست اعتماد عمومی را به پول آرژانتین جلب کند و نه توانست تورم را کاهش دهد. در ۸ فصل بعد از این اصلاح نیز پزو آرژانتین به‌طور مرتب تضعیف می‌شد. نرخ ارز این کشور که در فصل دوم سال ۱۹۸۳ معادل ۸/۳ پزو برای هر دلار بود در فصل چهارم این سال به ۳۲/۲۶ پزو برای هر دلار پرش کرد. عرضه پول نیز همچنان با سرعت به افزایش خود ادامه داد و تورم هم به دنبال آن افزایش یافت، به‌گونه‌ای که تورم در فصل چهارم سال ۱۹۸۳ به ۶۶/۴ درصد بالغ گشت. متعاقب این وضعیت دولت نظامی سرنگون شد و دولت جدید روی کار آمد. در این زمان کشور با بحران بدهی‌ها مواجه بود. برای پرداخت این بدهی، صندوق بین‌المللی پول برنامه‌هایی را برای این کشور ارائه کرد. کشور آرژانتین متعهد شد این برنامه‌ها را که شامل تضعیف بیشتر پزو و کاهش کسر بودجه بود اجرا کند و در مقابل ۱/۴ میلیارد دلار از صندوق وام گرفت، اما این امر راه به‌جایی نبرد. در همین حال تورم شتابان شد و در فصل اول سال ۱۹۸۵ به حدود ۸۲/۳ درصد رسید. در همین فصل، رشد پول بالغ بر ۴۲/۸ درصد شد. هرچند این رشد شتابان عرضه پول برای تأمین کسری بودجه بود اما در همین فصل کسری بودجه به ۱۵۸/۹ میلیون دلار رسید. حساب جاری این کشور نیز در همین فصل حدود ۷۸۰ میلیارد دلار کسری نشان داد. این اقدامات نیز به نتیجه مطلوب منجر نشد. زیرا هرچند ابتدا به‌خاطر کاهش رشد عرضه پول، تورم کاهش یافت و اعتماد به پول ملی کمی بهبود یافت، اما دوباره به‌خاطر رشد کسری

بودجه و رشد عرضه پول، تورم و بی‌ثباتی شتاب گرفت.^۱ در نهایت این کشور مجدداً در سال ۱۹۹۲ نام پول خود را از «آسترال» مجدداً به «پزو آرژانتین» تغییر داد و هر واحد پزو آرژانتین را معادل ۱۰۰۰۰ آسترال اعلام کرد.

۳-۴. برزیل

کشور برزیل در دوره زمانی ۱۹۸۱ - ۱۹۸۵ به‌طور متوسط با تورم سالانه ۱۵۱ درصدی مواجه بود. این کشور در ظاهر امر در سال ۱۹۸۶ از تغییر واحد پول ملی به‌عنوان ابزار محدودکننده تورم و ایجاد ثبات استفاده کرد و با حذف سه صفر از پول ملی خود، هر «کروزیرو» را معادل یک‌هزارم پول جدید «کروزادو» اعلام کرد. اما این اقدام نه تنها نتوانست ثبات را برای اقتصاد این کشور تأمین کند بلکه تورم بالای موجود این کشور پس از این اقدام به ابرتورم تبدیل شد، به‌طوری که نرخ تورم در سال‌های ۱۹۸۶، ۱۹۸۷، ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹ به‌ترتیب معادل ۱۴۷۰، ۲۸۸، ۶۲۹ و ۱۴۳۱ درصد بوده است نمودار ۲۱ مؤید این موضوع است.

نمودار ۲۱. روند تورم در کشور برزیل

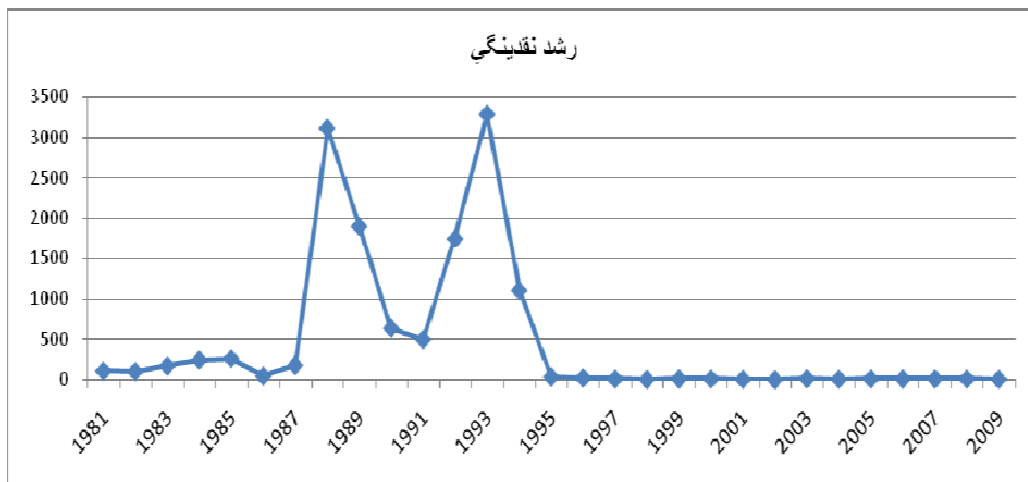


Source: International Monetary Fund, World Economic Outlook Database, October, 2011.

1. Ilan Goldfajn, Donald J. Mathieson- Public Debt Indexation and Denomination: the Case of Brazil, 1998.

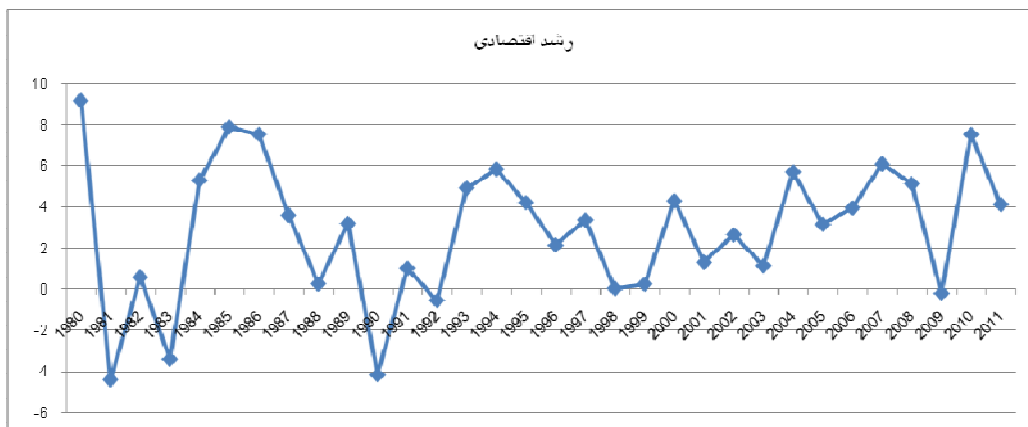


نمودار ۲۲. روند رشد نقدینگی در کشور برزیل



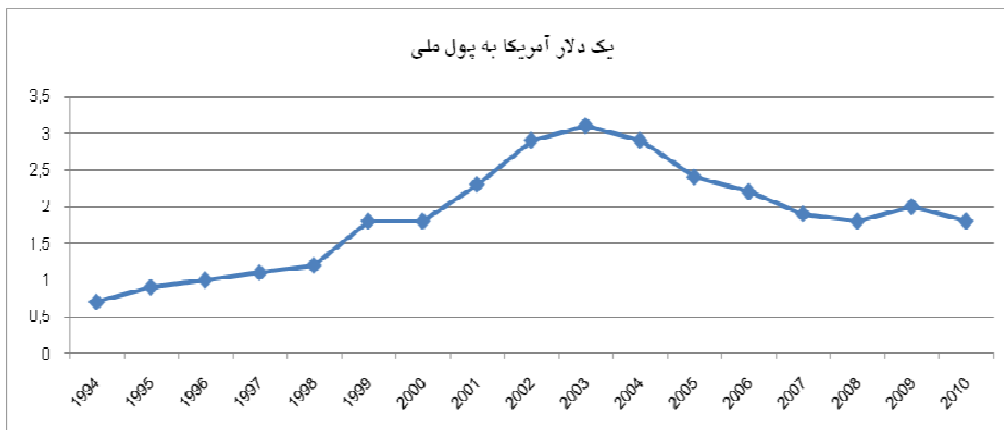
Source: Ibid.

نمودار ۲۳. روند رشد اقتصادی در کشور برزیل



Source: Ibid.

نمودار ۲۴. روند نرخ برابری پول ملی به دلار در کشور برزیل



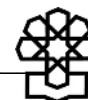
Source: International Monetary Fund, International Financial Statistics, 2011.

نرخ‌های تورم در این سال‌ها بیان‌کننده بی‌ثباتی و تغییرپذیری کامل است، لذا دوباره کشور برزیل درصدد برآمد برای مبارزه با چنین شرایطی، واحد پول خود را تغییر دهد. این کشور در ۱۵ ژانویه ۱۹۸۹ مجدداً اقدام به حذف صفر از پول ملی خود کرد و نام پول خود را از «کروزادو» به «نیوکروزادو» تغییر داد و هر واحد پول جدید را معادل ۱۰۰۰ واحد پول قبلی اعلام کرد. این اقدام نیز مشکلی را حل نکرد و اگر نگوئیم این تغییر وضعیت را بدتر نکرد، بهتر هم نکرد. متعاقب بروز چنین وضعیتی دولت برزیل وسوسه شد تا در ۱۶ مارس سال ۱۹۹۰ بدون اینکه تغییری در مقیاس و اندازه واحدهای پول ملی ایجاد کند، نام این پول را از «نیوکروزادو» به «کروزیرو» یعنی همان نام قبل از اصلاح پولی ۱۹۸۶ تغییر دهد تا گویی با تغییر صرف نام پول، تورم‌های پایین‌تر آن دوره، در اذهان تداعی شده و در عمل هم تحقق یابد. اما این اقدام هم کاری از پیش نبرد و قاعده عدم تأثیر اقدامات سطحی بدون انجام اقدامات حقیقی و مؤثر را مسجل ساخت، لذا تورم در سال ۱۹۹۰ در این کشور به ۲۹۴۸ درصد رسید اما در سال ۱۹۹۱ این رقم به ۴۴۳ درصد تنزل کرد و مجدداً در سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ به ترتیب به ۱۰۲۲ و ۱۹۲۸ درصد رسید. برزیل باز دوباره در سال ۱۹۹۳ تصمیم گرفت واحد پول خود را تغییر دهد. در اول آگوست سال ۱۹۹۳ برزیل مجدداً سه صفر از واحد پول خود را حذف کرد و هر واحد پول جدید به «ریل کروزیرو» تغییر نام یافت و هر واحد آن معادل ۱۰۰۰ واحد پول قبلی اعلام شد. همان‌طور که گفته شد، در این سال نیز تورم به ۱۹۲۸ درصد بالغ شد. دولت برزیل مجدداً در اول جولای ۱۹۹۴ پول خود را از «ریل کروزیرو» به «ریل» تغییر نام داد و واحد پول جدید را معادل ۲۷۵۰ واحد پول قدیم اعلام کرد. برزیل را هم باید در ردیف تجربه‌های ناموفق برای تغییر واحد پول ملی قلمداد کرد. این کشور در طی دهه ۱۹۸۰، چهار بار پول ملی خود را تغییر داد و در عین حال هشت بار رئیس بانک مرکزی خود را عوض کرد. علت اصلی و زمینه بنیانی ضرورت تغییر واحد پول در برزیل ریشه در کسری بودجه و رشد شتابان عرضه پول بود.^۱

۵. دلایل تغییر واحد پول ملی با توجه به تجارب کشورها

بررسی تجارب متعدد حذف صفر از پول ملی در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که اصلاح پولی عموماً با هدف مبارزه با ابرتورم‌ها و ایجاد ثبات دائمی از طریق تغییر واحد پول ملی صورت گرفته است. در کنار این هدف اصلی می‌توان به برخی اهداف فرعی مانند «برگشت به وضعیت خاصی از

1. Ibid.



نرخ برابری پول ملی با پول‌های خارجی»، «افزایش اعتماد عمومی به پول ملی کشور» و «جلوگیری از جانمایی ارز به جای پول ملی»، «کسب اعتبار داخلی و بین‌المللی» و «چرخه‌های انتخاباتی» نیز اشاره کرد که در ادامه به اختصار توضیح داده می‌شود.

۱-۵. مبارزه با ابرتورم

تاریخ اجرای سیاست صفرزدایی نشان می‌دهد که این سیاست بیشتر در اقتصادهایی به وقوع پیوسته که تورم بالایی را پشت سر گذاشته‌اند. در واقع دولت سعی دارد با این سیاست، اعتماد شهروندان به پول ملی را افزایش داده و به آنها خاطر نشان کند که دوره افزایش قیمت‌های مداوم و شدید سپری شده است. تجربه کشورها نشان می‌دهد که در برخی موارد این زمانبندی در اجرای سیاست تغییر واحد پول ملی به خوبی رعایت شده و تغییر واحد پول ملی با رفع تورم‌های شدید همزمان شده است (مانند ترکیه در سال ۲۰۰۵) و بالعکس در برخی موارد، دولت‌ها قادر به زمانبندی صحیح اجرای سیاست نشده‌اند و به ناچار طی یک دوره زمانی کوتاه، چندین بار واحد پول کشور خود را تغییر داده و لذا از اعتبار این سیاست نزد شهروندان خود کاسته‌اند (مانند آرژانتین و برزیل طی دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰). در عین حال باید به این نکته توجه داشت که تمامی کشورها لزوماً به هنگام تورم‌های شدید و کاهش ارزش پول ملی در قبال یک پول معتبر بین‌المللی (مانند دلار)، اقدام به تغییر واحد پول ملی خود نکرده‌اند. در برخی موارد دیگر، دولت‌ها نهایتاً با گذشت یک دوره طولانی تورم شدید، اقدام به تغییر واحد پول ملی کرده‌اند. در واقع هیچ اصلاح پولی نیست که با یک فضای تورمی قبلی همراه نباشد. در بعضی موارد ابتدا با سیاست‌های صحیح پولی و حقیقی، تورم بالا مهار شده و پس از آن، اصلاح پولی انجام شده است. در بعضی موارد در کوران تورم نیز، اصلاح پولی صورت نگرفته است. در مجموع بررسی‌ها نشان می‌دهد تورم‌های بالای تجربه شده کشورهایی که اصلاح پولی را تجربه کرده‌اند دارای سه منشأ بوده است:^۱

۱. جنگ و مخارج جنگی و هزینه‌های بازسازی و غرامت،
۲. شرایط بد اقتصادی و بحران بدهی‌های کشورهای آمریکای لاتین،
۳. شرایط گذار کشورهای اروپایی.

اما منطق استفاده از سیاست تغییر واحد پول ملی این است که استفاده از اسکناس‌های با مقادیر اسمی بالا بر روی انتظارات تورمی مردم تأثیر دارد، لذا از این جهت است که دولت‌ها بعضاً ادعا می‌کنند که تغییر واحد پول ملی باید جزیی از برنامه تثبیت باشد. البته در مورد اهمیت نقش

۱. عباس شاکری، اصلاح واحد پولی در کشورهای در حال توسعه با تأکید بر صفرزدایی، پژوهشکده امور اقتصادی، ۱۳۸۸، ص ۶۹.

تغییر واحد پول در چنین وضعیتی نباید اغراق شود، زیرا پول فیزیکی به خودی خود نمی‌تواند تورم را کاهش یا افزایش دهد. لذا تغییر واحد پول ملی در غیاب برنامه‌های اصلاح پولی و تثبیت واقعی دوباره با ابرتورم همراه خواهد بود. موزلی نشان داده است که بیشترین احتمال بروز تغییر واحد پول ملی زمانی است که یک دوره نسبتاً طولانی تورم جدی سپری شده و برنامه دستیابی به ثبات هم اجرا شده باشد. وقتی نرخ تورم به شدت سیر نزولی می‌گیرد، اوضاع برای حذف صفرها مساعد می‌شود. این وضع به ویژه در مورد کشورهای مملوس‌تر است که اقتصاد باز دارند و جریان‌های سرمایه در آنها مشهود است.^۱

۲-۵. برگشت به وضعیتی خاصی از نرخ برابری پول ملی با پول‌های خارجی

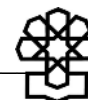
در مواردی تغییر واحد پول ملی برای جلوگیری از تداوم تضعیف ارزش پول ملی در برابر ارزهای خارجی استفاده می‌شود. وقتی تضعیف ارزش پول ملی برای مدت طولانی ادامه می‌یابد، تأثیر پول‌های خارجی بر گردش پول داخلی سبب کوچک شدن قطع پول ملی می‌شود. اگرچه در موارد تداوم تضعیف نیز تمام کشورهای که به این عارضه مبتلا می‌شوند، لزوماً واحد پول ملی خود را تغییر نمی‌دهند اما تجربه جهانی نشان داده است که در مواردی که تضعیف ارزش پول ملی عامل تأیید سیاست تغییر واحد پول ملی می‌شود، دولت‌ها تمایل دارند از یک پول خارجی به‌عنوان لنگر استفاده کنند. این کار سبب کنترل تداوم تضعیف ارزش پول ملی می‌شود. در مواردی که تغییر واحد پول ملی در کشورهای مبتلا به تداوم تضعیف ارزش پول ملی انتخاب شود ولی دولت از اعمال سیاست‌های کنترل تضعیف و بهبود ارزش پول ملی خودداری نماید و از لنگر ارزی نیز استفاده نکند، تکرار مرتبه‌های تغییر واحد پول ملی اجتناب‌ناپذیر می‌شود.^۲

۳-۵. افزایش اعتماد عمومی به پول ملی و جلوگیری از جانشینی ارز به‌جای پول ملی

تغییر واحد پول می‌تواند با هدف برگشت به حاکمیت پولی در کشور هم انجام شود. اگر مردم اعتمادشان را نسبت به پول ملی از دست بدهند، احتمال روی‌آوری به پول‌های خارجی افزایش می‌یابد. این امر به‌ویژه وقتی پول‌های خارجی از نام و اعتبار بیشتر برخوردار باشند، محتمل‌تر دیده می‌شود. کاهش اعتماد عموم به پول ملی، به‌ویژه در حوزه پس‌اندازی، عاملی است که سبب می‌شود مردم به کالاهای بادوام روی

1. Frieden, Jeffry, "Invested Interests: National Economic Policies in a world of Global Finance International organization 45 (4): 1991, pp 425-451.

۲. فیروزه خلعت‌بری، تغییر واحد پول ملی، ویژگی‌ها و الزامات، کمیسیون اقتصاد کلان مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۰، ص ۲۰.



بیاورند و از آن به عنوان پس انداز استفاده کنند. افزایش جدی تقاضا برای طلا هم نشانه‌ای است که از اعتماد جامعه به کارکرد درست پول ملی زائل شده است. در این وضعیت دولت ممکن است با تغییر واحد پول ملی، فضای مطلوبی برای برگشت اعتبار به پول ملی را ایجاد کند. برای این کار بدون تردید لازم است سیاست‌های پشتیبان هم وجود داشته باشد تا پیش از تغییر واحد پول، زمینه مساعدی برای بازگرداندن اعتماد مردم به پول ملی ایجاد شود.

۴-۵. کسب اعتبار داخلی و بین‌المللی

بعضی دولت‌ها سعی می‌کنند با تغییر واحد پول ملی، اعتبار ملی و بین‌المللی کسب کنند و به مردم خود و بازارهای سرمایه بین‌المللی القا کنند که آنها به تورم‌های پایین پایبند هستند. باورپذیری و اعتبار بیشتر می‌تواند فرصت انتخاب مجدد دولت‌ها را افزایش دهد؛ زیرا اعتبار بیشتر، انضباط کلان اقتصادی و رشد اقتصادی را ارتقا می‌دهد و جایگاه دولت به عنوان قرض‌گیرنده (وام از خارج) و اعتباردهنده و تقویت‌کننده سرمایه‌گذاری خصوصی و مدافع پول ملی ارتقا می‌دهد. در سال‌های اخیر دولت‌ها سعی کرده‌اند در راستای تلاش برای تحقق اعتبار و باورپذیری خود، استقلال بانک‌های مرکزی خود افزایش داده و نسبت به اهداف اقتصاد کلان تعهد بیشتری از خود نشان دهند. کشورهای هم که درصد پیوستن به «حوزه پولی منطقه‌ای»^۱ هستند (مثل پیوستن به حوزه یورو)، سعی دارند که در حدود تعهدات خود برای تأمین ثبات به بازارهای بین‌المللی اطمینان بدهند. تغییر واحد پول می‌تواند به دو روش در این فرآیند نقش ایفا کند.

اول آنکه می‌توان از تغییر واحد پول در آخر برنامه تثبیت استفاده کرد تا به بازارهای خصوصی و شهروندان وانمود کرد که روزهای ابرتورم به سر آمده است. در این صورت، تغییر واحد پول، سمبل و نشانه‌ای از شرایط واقعی جدید خواهد بود و نه ابزار کاهش‌دهنده تورم. حذف چند صفر از پول ملی تنها برای این است که شهروندان و سرمایه‌گذاران متوجه شدند که مبارزه با تورم موفقیت‌آمیز بوده است. به عبارت واضح‌تر در چنین شرایطی تغییر پول ملی نتیجه برنامه تثبیت است نه علت و ابزار آن. وقتی چنین سازوکاری در جریان باشد باید انتظار داشت که تغییر واحد پول ملی بعد از یک دوره تورم بالا رخ دهد یا حتی باید گفت که این تغییر بعد از ریشه‌کن شدن آن تورم بالا رخ می‌دهد.

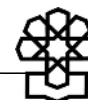
دوم آنکه تغییر واحد پول ملی می‌تواند به عنوان بخشی از فرآیند تثبیت اقتصادی و در ضمن آن اجرا شود. یعنی در طول اجرای برنامه‌های تثبیت، برای پایین آوردن انتظارات تورمی و

امکانپذیر ساختن تحقق اهداف تثبیت، مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در مورد انگیزه بازگشت اعتماد از طریق تغییر واحد پول ملی، انجام این اقدام پس از تثبیت و کاهش تورم، شهروندان و بازارهای خصوصی را بهتر متقاعد و مطمئن می‌کند، نسبت به زمانی که از تغییر واحد پول ملی به عنوان ابزار و جزئی از برنامه تثبیت استفاده شود. در واقع اتخاذ تغییر واحد پول ملی به عنوان بخشی از برنامه تثبیت یا به عنوان تنها ابزار تثبیت توسط دولت‌هایی اجرا می‌شود که از همراهی سیاسی مردم برای اجرای موفق برنامه بی‌بهره‌اند یا فشارهای بین‌المللی، آنها را برای اجرای تثبیت تحت فشار قرار نمی‌دهد.^۱

۵-۵. چرخه‌های انتخاباتی

همچنین گفته می‌شود استفاده از تغییر واحد پول ملی به عنوان یک ابزار برای ارتقای اعتماد و باورپذیری عمدتاً ریشه در سیاست داخلی دارد. یعنی دولت‌ها تمایل دارند تورم را پایین نگه دارند. زیرا وقتی عملکرد اقتصادی قوی باشد، رأی‌دهندگان به آنها روی خوش نشان می‌دهند و تورم پایین هم به عملکرد اقتصادی کمک می‌کند. یا از جنبه دیگر دولت‌ها می‌خواهند بازارهای بین‌المللی را متوجه خود کنند؛ زیرا اعتماد بازارهای مذکور نسبت به اقتصاد کشور به آنها مجال می‌دهد که به منابع اعتباری خارجی ارزان‌تر دسترسی پیدا کرده و یا سرمایه‌گذاری خارجی جذب کنند که به نوبه خود خرج کردن بیشتر دولت و رشد اقتصادی داخلی را تسهیل می‌کند. فرض اصلی در اینجا آن است که دولت‌ها نسبت به نگاه و نگرش شهروندان خود حساس هستند که البته این در مورد کشورهای که نظام دموکراتیک و مردم‌سالارانه دارند، بیشتر صدق می‌کند. در کشورهایی که دموکراسی نهادینه شده، دولت‌هایی که می‌خواهند انتخاب مجدد شوند، سعی می‌کنند قبل از انتخابات اقدام به چنین کاری نکنند، زیرا تغییر واحد پولی تداعی‌کننده سیاست‌های اشتباه دوره تورم‌زای قبلی خواهد بود و ذهنیت خوبی در مردم برای رأی دادن به دولت موجود که می‌خواهد دوباره انتخاب شود ایجاد نمی‌کند. به‌طور کلی دولت‌ها تمایل دارند بعد از انتخابات که زمان زیادی تا انتخابات بعدی فاصله دارد دست به تغییر واحد پول ملی بزنند تا هم مسئولیت مشکلات موجود را به دولت قبلی نسبت دهند و هم با اجرای این سیاست، ثبات بعدی را به عملکرد خود مربوط کنند.

۱. عباس شاکری، اصلاح واحد پولی در کشورهای در حال توسعه با تأکید بر صفرزدایی، پژوهشکده امور اقتصادی، ۱۳۸۸، ص ۷۳.



۶. بررسی توجیه‌پذیری تغییر واحد پول ملی در ایران

از سال ۱۳۰۸ تاکنون، ریال واحد پول ملی کشور ایران بوده است. این واحد در دهه‌های گذشته با چالش‌های جدی از نظر ارزش مواجه شده است. برای تشریح این روند، کافی است که نگاه خود را به آمار و ارقام جدول ۱ معطوف کنیم.

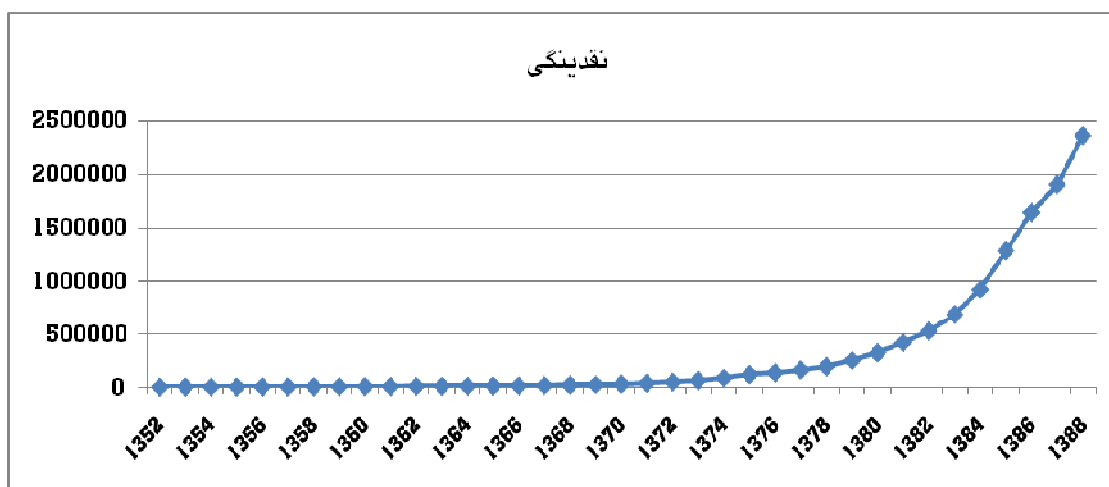
جدول ۱. روند برخی متغیرهای کلان اقتصادی در کشور ایران

سال	۱۳۵۳	۱۳۵۷	۱۳۶۷	۱۳۷۲	۱۳۷۸	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	عنوان
نقدینگی (میلیارد ریال)	۸۱۰/۱	۲۵۷۸/۶	۱۵۶۸۷/۶	۴۸۱۳۵	۱۹۳۶۸۹/۲	۹۲۱۰۱۹/۴	۱۲۸۴۱۹۹/۴	۱۶۴۰۲۹۳	۱۹۰۱۳۶۶	۲۳۵۵۸۸۹/۱	
تولید ناخالص داخلی (به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶) (میلیارد ریال)	۱۹۶۵۸۱	۲۱۹۱۹۱	۱۸۰۸۲۳	۲۵۸۶۰۱	۳۰۴۹۴۱	۴۳۸۹۰۰	۴۶۷۹۳۰	۴۹۹۰۷۱	۵۰۲۰۶۵	۵۱۹۶۳۸	
شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی (به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳)	۰/۵	۱	۵/۳	۱۲/۵	۵۱/۷	۱۱۰/۴	۱۲۳/۴	۱۴۶/۲	۱۸۳/۳	۲۰۳	
تورم	۰	۱۱/۱	۲۹/۲	۲۲/۹	۲۰/۱	۱۰/۸	۱۱/۹	۱۸/۴	۲۵/۴	۱۰/۸	
متوسط تورم	۱۷										
درشت‌ترین اسکناس	۱۳۵۰		۱۳۸۲		۱۳۸۳		۱۳۸۶		۱۳۸۷		۱۳۸۹
	۱۰۰۰۰ ریالی		۲۰۰۰۰ ریالی		۲۰۰۰۰ ریالی		۵۰۰۰۰ ریالی		۱۰۰۰۰۰ ریالی		۱۰۰۰۰۰ ریالی

مآخذ: گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سال‌های مختلف و نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ - www.cbi.ir.
* آمارهای فوق از بررسی‌های محقق و بر اساس نرخ رشد اعلام شده از سوی معاون اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران برای سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ به‌دست آمده است.

طبق این جدول، بررسی روند نقدینگی از سال ۱۳۵۳ تا پایان سال ۱۳۸۸ نشان می‌دهد که حجم نقدینگی از ۸۱۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۳ به ۲۳۵۵۸۸۹ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۸۸ رسیده است که در این دوره بیش از ۲۹۰۰ برابر افزایش یافته است روند این افزایش در نمودار ۲۵ مشاهده می‌شود.

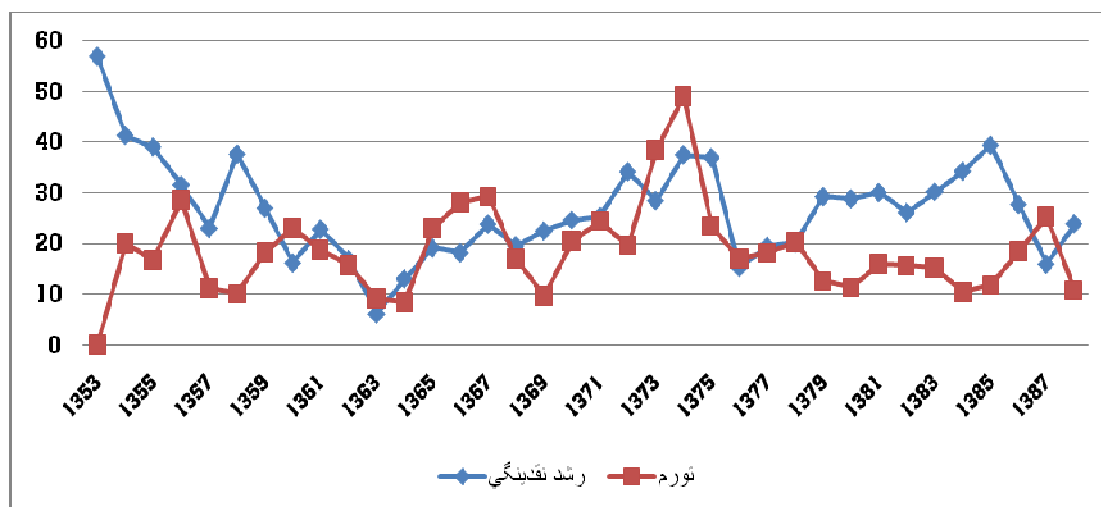
نمودار ۲۵. روند نقدینگی در کشور ایران



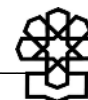
مآخذ: گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سال‌های مختلف و نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ - www.cbi.ir

در واقع نقدینگی در اقتصاد ایران در طول ۴۰ سال گذشته به شدت بی‌ثبات بوده است. بخشی از تغییرات نقدینگی، جذب تغییرات تولید ناخالص ملی و معاملات مربوط به آن می‌شود، اما مقدار این جذب، محدود و کم است. البته آمارهای موجود نشان می‌دهد که بخش عمده تغییرات حجم پول در افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و تورم متجلی شده است. نمودار ۲۶ به خوبی این ادعا را تأیید می‌کند. در واقع روند نقدینگی و تورم بیانگر آن است که تورم و نقدینگی ماهیت پویا، خود تقویت‌کننده و پیچیده پیدا کرده‌اند.

نمودار ۲۶. روند تورم رشد نقدینگی در کشور ایران

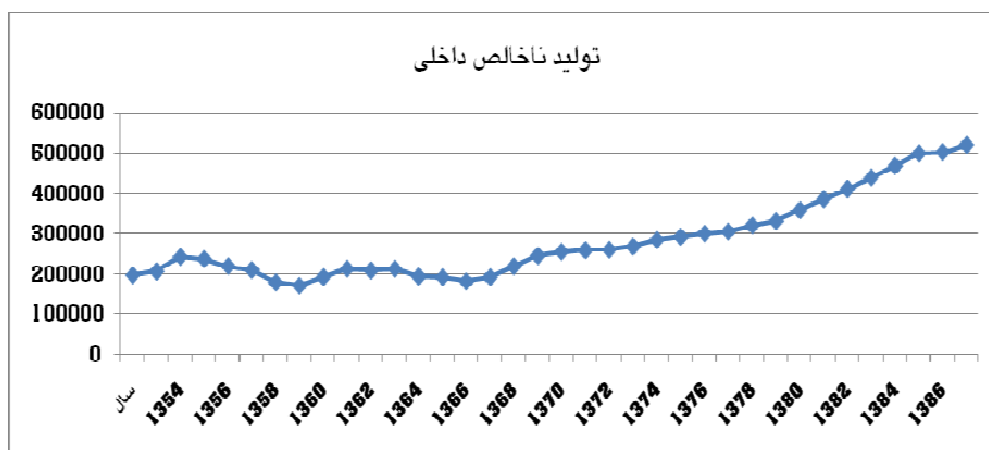


مآخذ: همان.



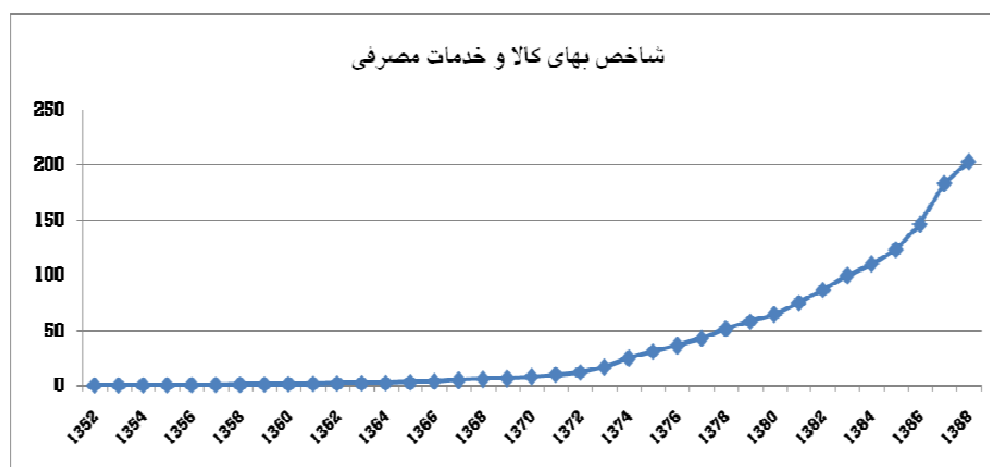
در عین حال، تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ از ۱۹۶۵۸۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۳ به ۵۱۹۶۳۸ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۸۸ رسیده است که نشان از افزایش ۲/۶ برابری آن در طی دوره مذکور دارد. همچنین در این دوره، شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳ از ۰/۵ واحد در سال ۱۳۵۳ به ۲۰۳ واحد در سال ۱۳۸۸ رسیده که در طی این دوره بیش از ۴۰۶ برابر افزایش یافته است. نمودارهای ۲۷ و ۲۸ نیز مؤید این روند هستند. البته هرچند تورم در طی این دوره فراز و فرود فراوانی داشته است، اما متوسط آن در طول این دوره ۱۷ درصد بوده است که بیشترین مقدار آن مربوط به سال ۱۳۷۴ (۴۹/۵ درصد) و کمترین مقدار آن مربوط به سال ۱۳۶۳ (۸/۳ درصد) است.

نمودار ۲۷. روند تولید ناخالص داخلی در کشور ایران



مآخذ: همان.

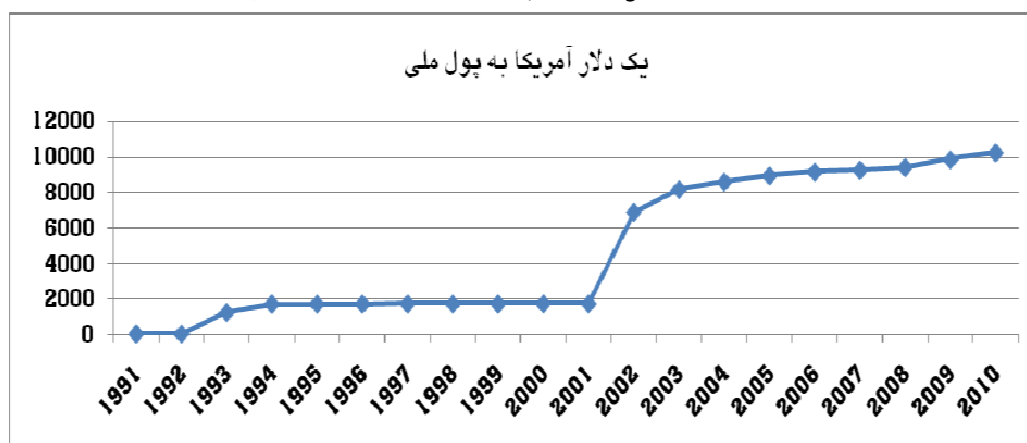
نمودار ۲۸. روند شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی در کشور ایران



مآخذ: همان.

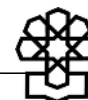
حتی اگر از نسبت برابری پول ملی به دلار نیز به عنوان یکی دیگر از شاخص‌های بالقوه برای ارزشگذاری مجدد تورم استفاده نماییم، در نمودار ۲۹ مشاهده می‌کنیم که علاوه بر رشد قیمت‌ها، رشد ارزش دلار نیز هم هویت ملی را در حوزه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تحت تأثیر قرار داده و هم فضای روانی کسب و کار را مشوش کرده است.

نمودار ۲۹. روند نرخ برابری پول ملی به دلار در کشور ایران



Source: International Monetary Fund, International Financial Statistics, 2011.

مجموعه این ملاحظات گویای آن است که در ۴۰ سال گذشته، متغیرهای اسمی ما حدوداً هزار برابر بزرگ‌تر شده‌اند و این وضعیت، تسهیل معاملات و محاسبات را مشکل‌تر کرده است. با این حال بررسی ارقام در این دوره گویای آن است که به هیچ وجه ابعاد تورم در این دوره را نمی‌توان در حد ابرتورم (به حدی که در کشورهایی که واحد پول خود را تغییر داده‌اند) دانست. لذا تا مادامی که در اقتصاد ایران با این حجم محدود تولید ناخالص داخلی (حدود ۲۳۰۰۰ میلیارد تومان نقدینگی وجود دارد) نقدینگی در حال افزایش است و قیمت‌ها به‌طور نامتناسب و مداوم در معرض افزایش قرار می‌گیرد، این انبساط حجم پول و این قیمت‌های بالا و متناظر با اعداد و ارقام درشت، فی‌النتیجه پویایی‌هایی بی‌ثباتی تورم و اختلال را تشدید کرده و زمینه را برای اصلاحات اقتصادی محدود و تنگ می‌کند. اما این امر به معنای نادیده گرفتن مشکلات ناشی از کاهش ارزش پول ملی و عدم تناسب ارقام اسکناس‌های منتشر شده با نیازهای معاملاتی و مبادلاتی کشور نیست. زیرا تورم‌های مستمر و بالا، امر عملیات محاسباتی و حسابداری را بسیار مشکل می‌سازد. همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، قطع بزرگ‌ترین اسکناس در کشور (از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۲) ۱۰۰۰۰ ریالی بوده که از سال ۱۳۸۳ به بعد با چاپ اسکناس‌های جدید ۲۰۰۰۰،



۵۰۰۰۰ و ۱۰۰۰۰۰ ریالی در سال‌های مختلف، درشت‌ترین قطع اسکناس کشور در حال حاضر به ۱۰۰۰۰۰ ریالی رسیده است. اما با این وجود، به‌رغم رشد قابل توجه نقدینگی و تورم در کشور، نیاز به اسکناس‌های درشت‌تر احساس می‌شود. چنانکه ملاحظه می‌گردد، قدرت خرید درشت‌ترین اسکناس ایران در مقایسه با درشت‌ترین اسکناس آمریکا ۹/۵ درصد، اروپا ۱/۳ درصد، انگلیس ۱۱/۵ درصد و ژاپن ۷/۳ درصد است.

جدول ۲. مقایسه واحد پول کشورهای مختلف

کشور	ایران	آمریکا	اروپا	انگلیس	ژاپن
عنوان	ریال	دلار	یورو	پوند	ین
واحد پول	۱۰۰۰۰۰	۱۰۰	۵۰۰	۵۰	۱۰۰۰۰
درشت‌ترین اسکناس	-	۱۰۵۴۲	۱۰۱۷۵	۱۷۳۱۰	۱۳۷
ارزش واحد در برابر ریال*	۱۰۰۰۰۰	۱۰۵۴۲۰۰	۷۵۸۷۵۰۰	۸۶۵۵۰۰	۱۳۷۰۰۰۰
ارزش درشت‌ترین اسکناس در برابر ریال					

مأخذ: سایت بانک مرکزی کشورهای (آمریکا، اروپا، انگلیس، ژاپن و ایران).

* طبق نرخ ارزها در تاریخ ۸ مردادماه ۱۳۹۰، براساس نرخ‌های تبدیل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و www.cbi.ir.

درواقع صرفنظر از تغییرات ساختاری اقتصاد کشور از سال ۱۳۵۰ تاکنون، اگر قرار باشد اسکناس‌هایی با قدرت خرید سال ۱۳۵۰ در کشور منتشر شود، ارزش اسکناسی که بتواند همان قدرت خرید سال ۱۳۵۰ را برای ۱۰۰۰۰ ریالی ایجاد کند (با توجه به ۴۰۶ برابر شدن شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۸)، باید حداقل یک قطعه اسکناس ۴۰۶۰۰۰۰ ریالی باشد. ملاحظه می‌شود که انتشار اسکناس ۱۰۰۰۰۰ ریالی در مقایسه با یک چنین اسکناسی، تفاوت فاحش و غیرقابل توجیه دارد.

جنبه دیگر قضیه، میزان اسکناس و مسکوک در جریان، تعداد اسکناس‌ها، ارزش اسمی آنها و هزینه‌های چاپ و امحای آنهاست که توجه به آنها تحلیل موضوع حاضر را دقیق‌تر خواهد کرد. تعداد اسکناس‌های در جریان از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۸۵ در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. تعداد اسکناس‌های در جریان

سال	۱۳۵۰	۱۳۵۵	۱۳۶۰	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۰	۱۳۸۵	۱۳۸۶
مبلغ (میلیارد ریال)	۶۳	۳۲۴	۱۵۳۸	۲۷۴۱	۴۹۶۸	۱۴۱۳۹	۳۱۵۰۰	۶۷۴۹۷	۸۸۴۸۹
تعداد (میلیون برگ)	۲۷۷	۵۵۹	۲۰۱۶	۳۹۵۸	۵۱۷۴	۶۲۳۲	۶۵۶۵	۸۰۴۵	۸۱۲۰
جمعیت (میلیون نفر)	۲۹/۲	۳۳/۷	۴۰/۸	۴۹/۴	۵۵/۸	۶۰	۶۴/۶	۷۰/۴	۷۱/۵
سرانه اسکناس در گردش	۹/۴	۱۶/۶	۴۹/۴	۸۰/۱	۹۲/۷	۱۰۳/۹	۱۰۱/۶	۱۱۴/۳	۱۱۳/۶

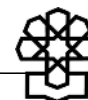
مآخذ: به نقل از گزارش رفورم پولی؛ تجربه کشورهای دیگر و الزامات ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹، ص ۳۵ - www.cbi.ir

جدول ۴. سرانه اسکناس در کشورهای مختلف

کشور	ترکیه	مکزیک	اردن	مجارستان	انگلستان	سوئیس	استرالیا	امارات
سرانه اسکناس	۱۳	۱۸	۱۹	۲۹	۳۴	۳۶	۴۱	۵۹

مآخذ: به نقل از گزارش رفورم پولی؛ تجربه کشورهای دیگر و الزامات ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹، ص ۳۶ - www.cbi.ir

همان‌طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، سرانه اسکناس در گردش در ایران از ۹/۴ در سال ۱۳۵۰ به ۱۱۳/۶ در سال ۱۳۸۶ افزایش یافته است. درحالی‌که، بر اساس آمار جدول ۴، این متغیر برای کشورهای مختلف بسیار پایین‌تر از مقدار مربوط به کشور ماست. از مقایسه جداول ۳ و ۴ چنین بر می‌آید که سرانه اسکناس در کشور ما بسیار بالاتر از مقدار آن در کشورهای فوق‌الذکر است. افزایش سرانه اسکناس در کشور به معنی افزایش هزینه‌های نقل و انتقال، بیمه، اسکورت، گسترش فضا و سطح مخازن نگهداری پول و اتلاف وقت مردم در صف باجه بانک‌ها و دستگاه‌های خودپرداز است که همگی بی‌ثباتی فضای کسب‌وکار را در پی داشته و تداعی‌کننده کاهش ارزش پول ملی هستند. در واقع عدم انتشار اسکناس با مبالغ اسمی بالاتر از سال ۱۳۵۰ (سال انتشار اسکناس ۱۰ هزار ریالی)، تا سال ۱۳۸۲ (سال انتشار اسکناس ۲۰ هزار ریالی) سبب شد تعداد برگ اسکناس در جریان افزایش یابد و حتی انتشار اسکناس ۲۰ هزار ریالی نیز نتوانست مانع رشد فزاینده آن گردد. به‌طوری‌که در پایان سال ۱۳۸۶، تعداد برگ اسکناس در جریان، بالغ بر هشت میلیارد برگ شد و سرانه اسکناس را به ۱۱۴ برگ رساند. درحالی‌که سرانه اسکناس در جریان در سال ۱۳۵۵ حدود ۱۷ برگ بود. با چاپ اسکناس‌های ۵۰ هزار ریالی از اواخر سال ۱۳۸۵ به تدریج

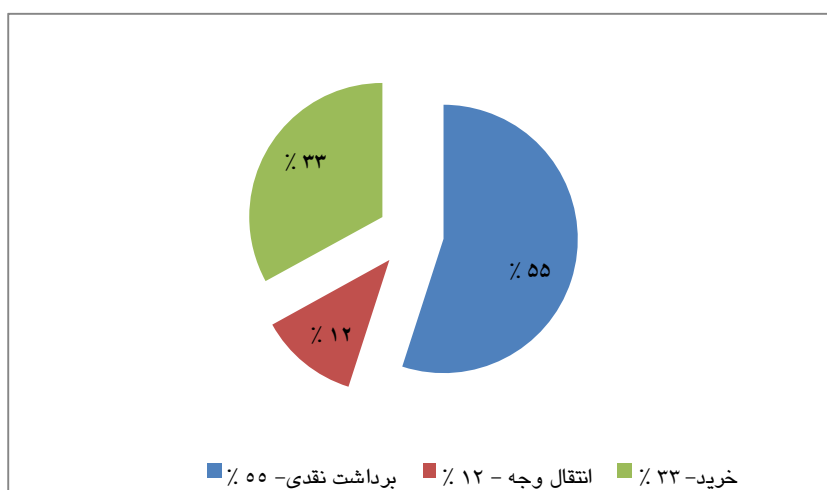


از رشد تعداد برگ اسکناس منتشره کاسته شد و این امر موجب کاهش سرانه برگ اسکناس در پایان سال ۱۳۸۶ گردید. با انتشار ایران چک‌های بانک مرکزی در سال ۱۳۸۷ و به دلیل ارزش اسمی بالای ایران چک‌های بانک مرکزی (۵۰۰ هزار ریالی و یک میلیون ریالی) در مقایسه با قطع اسکناس‌های موجود، این امکان فراهم شد که تا با انتشار تنها ۱۸۰/۳ میلیون برگ ایران چک، ضمن پاسخگویی به تقاضای پول نقد جامعه، تعداد برگ‌های اسکناس منتشره تا پایان سال ۱۳۸۷ نسبت به پایان سال ۱۳۸۶ به میزان قابل توجهی (۶/۴۰۰ میلیون برگ) کاهش یابد که این امر موجب کاهش سرانه برگ اسکناس به ۱۰۶ برگ در سال ۱۳۸۷ گردید^۱ که قطعاً این موضوع باعث کاهش هزینه‌های چاپ و امحای اسکناس نیز خواهد شد.

لذا با وجود مشکلات موجود و با توجه به ساختار سه‌وجهی (وجه نقد، چک و پرداخت الکترونیک) نظام پرداخت‌ها در کشور، یکی از راه‌حل‌های پیش‌رو برای رفع معضلات ناشی از کاهش ارزش اسکناس و سایر مسائل مرتبط با آن، هماهنگ شدن نظام پرداخت‌های کشور با نیازهای مبادلاتی روزمره و حفظ انطباق و ارتباط درونی آنها با یکدیگر است. در این راستا اولین گام، تقویت نظام پرداخت‌های الکترونیک در کشور می‌باشد. زیرا نسبت به دو وجه دیگر جوان‌تر بوده و متناسب با تحولات جهانی رشد نکرده است. هم‌اکنون پرداخت‌های الکترونیک عمدتاً به استفاده از دستگاه‌های خودپرداز محدود شده است. هرچند استفاده از کارت‌های بانکی در پایانه‌های فروش نیز طی سال‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته، اما با گسترش پرداخت‌های الکترونیک انتظار می‌رود کارت‌های بانکی و اعتباری بخشی از بار اسکناس و ایران چک را در نظام پرداخت عهده‌دار شود. در نمودارهای ۳۰ و ۳۱ نیز سهم نسبی انواع تراکنش‌ها از نظر مبلغ و تعداد آمده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، از نظر تعداد تراکنش‌ها، برداشت نقدی بیشترین سهم و از نظر مبلغ تراکنش‌ها، انتقال وجه بیشترین سهم را در نظام پرداخت الکترونیک کشور دارد.

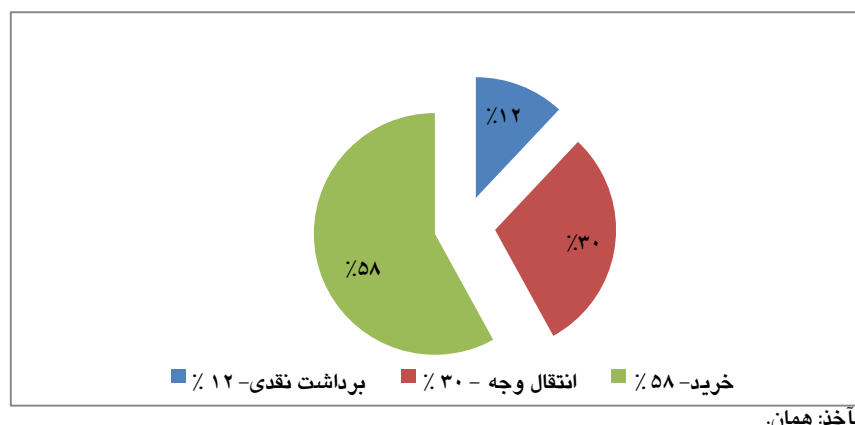
۱. سرور ملکان، رفورم پولی؛ تجربه کشورهای دیگر و الزامات ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۱۳۸۹، ص ۳۶.

نمودار ۳۰. سهم نسبی انواع تراکنش‌ها - تعدادی (۱۳۸۱-۱۳۸۹)



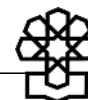
مآخذ: گزارش تحولات اخیر در نظام‌های پرداخت کشور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰ و www.cbi.ir.

نمودار ۳۱. سهم نسبی انواع تراکنش‌ها - مبلغی (۱۳۸۱-۱۳۸۹)



مآخذ: همان.

با این شرایط، گسترش بانکداری الکترونیک یکی از اصلی‌ترین راهکارهای تقویت و بهبود نظام پرداخت‌های کشور است که نیل به آن نیاز به تغییر رفتار مردم و مدیریت کلان در سطح کشور دارد. در حال حاضر ابزارهای سنتی با وجود دربرداشتن هزینه‌های زیاد در سطح ملی، برای استفاده کم‌هزینه هستند. به طوری که تنها برای چک‌ها در برخی موارد کارمزد دریافت می‌شود. این امر تمایل به تغییر رفتار عموم برای استفاده از ابزارهای نوین را کاهش داده است. از طرف دیگر، ابزارهای تشویقی برای استفاده از ابزارهای پرداخت الکترونیک محدود و ناکافی است و این ابزارها در مقایسه با اسکناس و ایران چک که عموم جامعه بدان عادت کرده‌اند، همچنان به عنوان ابزارهای



غریبه و لوکس تلقی می‌شوند. همچنین درخصوص فرهنگ‌سازی و آموزش جامعه برای گسترش استفاده از ابزارهای پرداخت الکترونیک هنوز اقداماتی در سطح ملی به‌عمل نیامده و فعالیت‌های موجود نیز به‌صورت پراکنده و موردی انجام نشده است. در سطح راهبردی لازم است بانک‌ها نقش فعال‌تری برای تشویق عموم به استفاده از ابزارهای پرداخت الکترونیک ایفا نمایند. مضافاً اینک باید زیرساخت‌های مخابراتی و کیفیت خدمات‌رسانی مخابرات به عنوان مهمترین نگرانی توسعه شبکه‌های پرداخت الکترونیک مورد توجه قرار گیرد و تقویت شود.

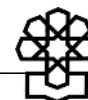
به هر حال با تمامی تمهیدات فوق، تقاضا برای پول نقد همواره در اقتصاد وجود خواهد داشت و باید برای تأمین بهینه آن برنامه‌ریزی لازم صورت پذیرد. در این خصوص چاپ اسکناس در قطع‌های درشت‌تر می‌تواند راهگشا باشد. البته باید متذکر شد که تغییر واحد پول ملی زمانی رخ می‌دهد که اقتصاد طی دوره زمانی طولانی، نرخ‌های تورم بالایی را تجربه کند و ارزش واقعی (قدرت خرید) هر قطع اسکناس یا مسکوک در مقایسه با ارزش اسمی آن به شدت کاهش یافته باشد. در ایران نیز همان‌گونه که ذکر شد، شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی طی سه دهه از سال ۱۳۵۳ الی سال ۱۳۸۸ رشد فزاینده‌ای را تجربه کرده است. در همین دوره، نقدینگی با متوسط رشد سالیانه ۲۶ درصد حدود ۲۹۰۰ برابر شده است. تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری نیز به عنوان نماگری از حجم مبادلات پولی کشور طی دوره مذکور با متوسط رشد سالیانه ۲۵ درصد حدود ۱۰۰۰ برابر شده است. در حالی که قطع درشت‌ترین اسکناس طی همین دوره تنها ۵ برابر و در سال ۱۳۸۹ معادل ۱۰ برابر شده است که با توجه به استفاده محدود از ابزارهای پرداخت جایگزین پول نقد در کشور، تناسبی با میزان افزایش حجم مبادلات ندارد. البته این نکته را باید متذکر شد که برخلاف عقیده عامه، اسکناس درشت‌تر تورم‌زا نبوده و صرفاً جایگزین اسکناس‌های کوچک موجود و چک‌پول خواهد شد. در واقع اسکناس درشت‌تر عامل افزایش نقدینگی نیست، بلکه فقط نوع اسکناس‌های موجود را تغییر می‌دهد.

لذا با توجه به اینکه وجود تورم بالا و مستمر، چاپ اسکناس‌های با ارزش اسمی بالاتر را ناگزیر می‌سازد، به‌طور معمول کشورها به همراه چاپ قطع‌های درشت اسکناس، مجموعه‌ای از سیاست‌های ضد تورمی را نیز دنبال می‌نمایند. زیرا در غیر این صورت، هرچند سال یکبار چاپ قطع‌های درشت‌تر اسکناس ناگزیر خواهد شد. با این تفاسیر به نظر می‌رسد، چاپ اسکناس‌های درشت‌تر در شرایط فعلی کشور امری غیرقابل اجتناب است که به کمک سیاست‌های پولی انقباضی با پشتیبانی انضباط مالی دولت آثار آن قوی‌تر و ماندگارتر خواهد بود.

۷. درس‌هایی از تجارب دیگر کشورها برای اقتصاد ایران

آنچه که از مورد تجربه سایر کشورها برداشت می‌شود، این است که این کشورها در مواجهه با بروز ابرتورم در مقاطع زمانی کوتاه جنگی یا در مقابل تورم‌های بالا و پایدار بی‌ثبات‌کننده در دوران گذار اقتصادی، دست به کار اصلاح واحد پول ملی یا تغییر آن شده‌اند و هدف این بوده است که یا بعد از اعمال سیاست‌های تثبیت یا بعد از برطرف شدن شرایط بی‌ثبات‌کننده جنگی با این اقدام به جامعه علامت بدهند که دوران بد قبلی سپری شده و زمان پایداری، ثبات و اعتماد فرا رسیده است و یا حتی در حین مواجهه با تورم‌های بالا و حاکمیت انتظارات بی‌ثبات، به‌عنوان ابزار تثبیت‌کننده انتظارات تورمی یا مکمل سیاست‌های پولی و مالی و اقتصادی، اقدام به تغییر واحد خود کرده‌اند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، تجربه این کشورها نشان داد که به‌لحاظ جایگاه واقعی، تغییر واحد پول ملی در جایگاه معلول قرار دارد و نه علت. یعنی این سیاست فقط نشان از پشت کردن به شرایط بی‌ثبات و رو آوردن به ثبات از طریق اصلاحات پولی و حقیقی و نهادی است و بنابراین این سیاست ماهیت علامت‌دهنده و مکمل‌نهایی دارد. همچنین تجارب کشورهای منتخب نشان داد که تا وقتی اقتصاد با سیاست‌های تثبیت و اقدامات حقیقی و نهادی مستعد ثبات نشده است، اقدام به تغییر واحد پول ملی به نتیجه مطلوب منجر نمی‌شود و تورم همچنان پابرجا می‌ماند و به نوعی شرایط برای تکرار تغییر واحد پول ملی تکرار می‌شود.

مورد ترکیه نمونه‌ای از سیاست موفق در زمینه تغییر واحد پول ملی است. این کشور بعد از سیاست‌های اصلاحی و نهادی و تغییرات مثبت اجتماعی برای زمینه‌سازی جهت پیوستن به اتحادیه اروپا، در سال ۲۰۰۵ اقدام به حذف ۶ صفر از پول خود می‌کند و این کار به‌عنوان آخرین حلقه مکملی اقدامات اساسی حقیقی و پولی قبلی، با موفقیت بالایی همراه بوده است. ترکیه بیش از دو دهه اقدامات اصلاحی و تعدیلی انجام داد. بعضاً بی‌ثباتی‌های تورمی در این کشور حاصل برنامه‌های تعدیل این کشور بود. برنامه‌های تعدیل ترکیه به‌صورت بسته سیاستی انجام شد. توالی زمانی برنامه‌ها رعایت شد و در پایان این کشور با اصلاح نظام بانکی خود و نظارت منطقی بر آن تحقق استقلال بانک مرکزی خود را نیز دنبال کرد. انضباط در بودجه دولت را به‌شدت رعایت کرد و حتی در بعضی سال‌ها بودجه ترکیه با مازاد همراه شد تا اینکه توانست در سال ۲۰۰۵ با حذف ۶ صفر از پول ملی اعتماد مردم و جامعه بین‌المللی را نسبت به اقدامات تثبیت‌کننده خود جلب کند. یکی از ویژگی‌های اساسی برنامه‌های تعدیل و تثبیت ترکیه این است که اصل تناسب در تغییرات پولی و قیمتی اقتصاد این کشور تا حد قابل ملاحظه‌ای برقرار است.



مورد دیگر، تجربه ناموفق کشور آرژانتین در حذف صفر از پول ملی در موارد متعدد است. این کشور چندین بار پیاپی اقدام به تغییر واحد پول خود کرده است. ابتدا این کشور در سال ۱۹۷۰ در کوران تورم خود اقدام به حذف دو صفر از پول ملی کرده که به علت عدم همراهی با اصلاحات واقعی، تغییر مذکور نتیجه‌ای نداده و تورم مجدداً شتاب گرفته و ارزش پول ملی این کشور روند نزولی خود را ادامه داده است. در سال ۱۹۸۳ این کشور اقدام به حذف چهار صفر از پول خود می‌کند اما تورم و بی‌ثباتی فروکش نکرده و باز هم نتیجه‌ای حاصل نشد و تورم و بی‌ثباتی ادامه یافت. این تجارب بیانگر آن است که سیاست حذف صفرهای پول ملی به خودی خود منتج به نتایج مطلوب نخواهد شد، اما متعاقب سیاست‌های پولی و مالی و اصلاحی ابتدای دهه ۱۹۹۰، حذف چهار صفر از پول ملی در آرژانتین به نتیجه مطلوب منجر می‌شود و تورم را در این کشور به شدت کاهش می‌دهد.

۸. الزامات و بسترهای تغییر واحد پول ملی

در سال‌های اخیر چندین بار موضوع حذف صفر از پول ملی توسط مسئولین مطرح شده است، اما بنا به دلایلی از انجام این سیاست صرفنظر شده است. همان‌طور که در بخش‌های قبلی ملاحظه شد، اقتصاد ایران در شرایط کنونی، شرایطی را که در آن کشورهای موفق واحد پول خود را تغییر داده‌اند، ندارد (دوران بعد از جنگ جهانی، دوران بحران بدهی‌ها و دوران گذار همراه با تورم‌های بسیار بالا). هرچند طی سه دهه گذشته بسیاری از متغیرهای اسمی کشور تا ۳۰۰۰ برابر افزایش یافته‌اند و سطح عمومی قیمت‌ها بیش از ۴۰۰ برابر رشد داشته است و ثبت اعداد و محاسبات نسبت به گذشته بسیار مشکل‌تر شده است. البته در سال‌های گذشته هیچ وقت ابرتورم نداشته‌ایم، اما تورم‌های دائمی دو رقمی بین ۱۵ تا ۳۰ درصد همواره آزردهنده بوده‌اند. در این بین، مشکلات مربوط به امحا و چاپ مجدد اسکناس و هزینه‌های آن هم قابل ملاحظه است.

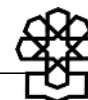
اما با این حال، شرایط کنونی اقتصاد کشور ما کاملاً متفاوت است. همان‌طور که از تجربه کشورهای دیگر ملاحظه می‌شود، برخی کشورها طی یک دوره محدود با اصلاحات واقعی مثل انضباط مالی، کاهش کسری‌های مالی، اصلاح و نظارت بر نظام بانکی و خصوصی‌سازی واقعی، تورم‌های بالا را به تورم یک‌رقمی تبدیل کردند، اما در کشور ما وضع بودجه‌های غیرشفاف، عدم انضباط مالی، کسری‌های مالی موجود و وابستگی شدید اقتصاد به نفت، نرخ بالای بیکاری، رشد کند تولید ناخالص ملی، همگی دال بر این است که ما اصلاح واقعی و تعدیل به سمت

موقعیت ثبات را عملاً انجام نداده‌ایم و تا برای اصلاح این امور اقدامی نکنیم، اصلاحات قیمتی و اسمی نه تنها به نتیجه مطلوب منتهی نمی‌شود، بلکه هزینه زیادی هم بر اقتصاد تحمیل می‌کند. علی‌ایحال حتی اگر شرایط پولی کشور هم آنقدر وخیم باشد که چاره‌ای جز تغییر واحد پول ملی نباشد، این رفورم پولی به تنهایی توفیقی دربر نخواهد داشت مگر اینکه در کنار بسته‌ای از سیاستگذاری‌های دیگر و هماهنگ با آنها باشد، تا نتیجه تمام آنها کم کردن شدید مقدار پول در جریان کشور باشد و گر نه صرف تغییر اعداد مندرج بر روی اسکناس‌ها مشکلی را حل نخواهد کرد. زیرا نه بر ارقام واقعی اقتصاد که مبنای تصمیم‌گیری واحدهای اقتصادی است اثر خواهد گذاشت و نه بر قدرت خرید مردم و پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی.

لذا مادامی‌که از حجم پول و نقدینگی موجود کشور کاسته نشود، عامل ایجاد فشارهای تورمی وجود خواهد داشت و چیزی از نرخ تورم کشور کم نخواهد شد. در واقع یکی از هدف‌های اصلی رفورم پولی این است که وسیله پرداخت (پول) کمتری در اختیار قرار گیرد و لازمه این کار، اعمال محدودیت در اعطای اعتبارات تجاری و یا همان «خلق پول» در نظام بانکی است. یعنی بانک مرکزی باید با افزایش نرخ ذخیره قانونی بانک‌ها و یا با اعمال فشار بر بانک‌های تجاری برای پرداخت کسری ذخایر و معوقات خود و نیز با مسدود کردن دریافتی‌های اعتباری بانک‌ها از بانک مرکزی و با افزایش نرخ بهره، انقباض شدید در حجم پول کشور ایجاد نماید تا تغییر در واحد پول ملی، سیاستی موفقیت‌آمیز باشد. همچنین در کنار این اقدامات بانک مرکزی، سیاست‌های مالی دولت نیز باید در هماهنگی و انطباق با هدف کنترل تورم باشد. باید بودجه دولت دچار کسری نباشد. برداشت از صندوق ذخیره ارزی کنترل و حساب شده باشد و نظام مالیاتی دقیق و شدیدی حاکم گردد. اینها همان توصیه‌هایی است که شورای علمی اقتصاد آلمان مرکب از ۲۰ اقتصاددان قبل از پیاده شدن رفورم پولی سال ۱۹۴۸ به دولت آلمان پیشنهاد داده بود و تأکید کرده بود که رفورم پولی وقتی معنا و مفهوم خواهد داشت که به همراه آن تغییرات اساسی و بنیادی در نحوه اداره و ارشاد و شکل‌دهی اقتصاد داده شود. از نظر این شورا، رفورم پولی به صورت یک اقدام مستقل و منفرد، کاملاً بی‌اثر خواهد بود و حتی ممکن است خطرناک باشد.^۱

حال سؤال این است که برای اجرای این سیاست آیا یک بسته سیاستی کامل و برنامه‌ریزی شده آماده است و تمامی سازوکارها و فرآیندهای اثرگذاری آن شناسایی و تعیین و نقش و وظایف نهادهای تأثیرگذار به خوبی تبیین شده است و تمامی آنها قابلیت اجرای منظم و دقیق را دارند و آیا سیاست‌های فعلی کشور مبنی بر اعمال فشار بر بانک‌ها برای گسترش اعتبارات به‌جای محدود

۱. هادی، صمدی، رفورم پولی ۱۹۴۸ آلمان فدرال، مجله تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران، ش ۴۱، ۱۳۶۸، ص ۱۰۲.



کردن آنها و یا کاهش نرخ بهره و تمایل به استفاده گسترده از صندوق ذخیره ارزی در راستای محدود کردن و ممانعت از رشد نقدینگی است؟

تجربه کشورهای استفاده‌کننده از این روش نشان می‌دهد که تغییر واحد پول ملی با هدف تقلیل نقدینگی کشور نیاز به عملیات فوق‌العاده پیچیده، هماهنگ و برنامه‌ریزی شده دارد^۱ که به هیچ وجه با ساختار مدیریتی و فرهنگی کشور ما سازگاری ندارد. جای سؤال این است که آیا برای کنترل تورم ناچار از انجام چنین عملیات پیچیده‌ای هستیم؟ و آیا با روش‌های به مراتب آسان‌تر و ارزان‌تر نمی‌توان از شدت افزایش قیمت‌ها کاست و تورم را مهار کرد.

از سوی دیگر، تغییر واحد پول کشور، نظام آمار و اطلاعات کشور و داده‌های سری‌های زمانی را دچار اختلال می‌کند. ارقام بدهکار، بستانکار و مانده منابع و مصارف بانک‌ها و بودجه کشور را دچار آشفتگی می‌سازد. ارقام و اعداد مندرج در قوانین، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی کشور را دستخوش دگرگونی و ابهام می‌نماید و بار زیادی از کار و فعالیت جدید را برای اصلاح جداول، برنامه‌های نرم‌افزاری اصلاح آمار و ارقام قوانین و آیین‌نامه‌ها بر بدنه اجرایی و کارشناسی کشور تحمیل می‌سازد که هزینه فرصت آن برای کشور زیاد است. کلیه اسکناس‌ها و سکه‌های موجود باید از نو طراحی و تجدید چاپ شوند و ... که همه اینها بار مالی و هزینه‌ای شگرفی را بر کشور تحمیل می‌کند که دور از منطق اقتصادی برای افزایش بهره‌وری در نظام اجرایی کشور است. مجموعه مشکلات منطقی و اجرایی مورد اشاره باعث می‌شود تا استفاده از این روش به‌عنوان آخرین گزینه از سوی دست‌اندرکاران و دولتمردان کشورها مورد توجه قرار نگیرد و سعی شود تا از روش‌های دیگر به عنوان اولویت‌های برتر استفاده گردد. فروش اوراق مشارکت، افزایش نرخ ذخیره قانونی، بالا بردن نرخ بهره، ممانعت از کسری بودجه، کاستن از بار بودجه‌ای دولت با کوچک‌سازی حجم دولت و گسترش سطح فعالیت بخش خصوصی، حذف قید و بندهای ساختاری از نظام تولید، کنترل برداشت از صندوق ذخیره ارزی، بازپرداخت بدهی‌های انباشته شده دولت‌ها به بانک مرکزی و ... تمامی راهکارهای کارآمد و قابل اجرایی هستند که می‌توان با اجرای آنها نقدینگی را مهار کرد و یا به سمت و سوی تولید روانه کرد و از شدت تورم

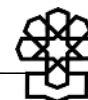
۱. دولت آلمان که موفق‌ترین رفورم پولی دنیا را اجرا کرده است در تغییر واحد پول خود مقرر کرد در روز رفورم پولی، هر آلمانی به‌عنوان یک شخص حقیقی تنها ۴۰ مارک جدید و چند ماه بعد ۲۰ مارک جدید دیگر با نسبت ۱ به ۱ با پول گذشته دریافت کند، کارخانه‌ها و اشخاص حقوقی نیز هر کدام ۶۰ مارک جدید به ازای هر کارگر خود با نسبت ۱ به ۱ دریافت دارند. سازمان‌های دولتی تنها معادل یک ماه از بودجه خود پول جدید دریافت دارند و تمام مطالبات و حساب‌های بخش خصوصی براساس نسبت ۱۰۰ به ۱۰ تبدیل شود، آن هم بدین صورت که ۵ مارک آن فوری به مارک جدید پرداخت گردد و ۵ مارک مابقی به صورت اعتباری مسدود شده و در سال ۱۹۵۳ یعنی ۵ سال بعد به حساب افراد ذینفع منتقل شود و نتیجه آن شد که کل پول قدیم براساس نسبت ۱۰۰ به ۶/۵ طی یک دوره زمانی چند ساله تبدیل به پول جدید شد.

در کشور کاست. منطق اقتصادی ایجاب می‌کند که تغییر واحد پول کشور همیشه به‌عنوان آخرین انتخاب مطرح باشد و دستیابی به هدف (کنترل تورم) با کمترین هزینه و با ساده‌ترین روش اجرا شود.

لذا اگر هدف پیشنهاددهندگان این طرح، تقلیل و سهمیه‌بندی حجم پول کشور نباشد و صرفاً حذف ساده صفر از پول ملی باشد، در این صورت باید اظهار داشت که در بهترین حالت اجرا و خوش‌بینانه‌ترین حالت آن مبنی بر عدم اختلال در نظام پولی، محاسباتی و آماری کشور، این اقدام یک اقدام خنثی و بی‌اثر است و بر بخش واقعی اقتصاد از قبیل ارزش‌افزوده بخش‌ها و رشد اقتصادی، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، صادرات، اشتغال، توزیع درآمد و ... اثری نخواهد گذاشت. زیرا نه درآمد واقعی مردم و واحدهای اقتصادی تغییر خواهد کرد و نه بر درآمد و مخارج دولت چیزی افزوده خواهد شد. نه قیمت‌های نسبی تغییر خواهند کرد و نه سازوکار تخصیص بهینه منابع دگرگون خواهد شد، لذا تأکید می‌گردد که این عدم تأثیر، تحت شرایط اجرای مطلوب است و گرنه این موضوع خود می‌تواند باعث آشفتگی و اختلال در نظم اقتصادی شده و موجبات رکود اقتصادی، کندی گردش امور و بدتر شدن توزیع درآمد در کشور نیز گردد. در هر صورت، دلیل دولت برای تغییر واحد پول هر چه باشد، قدر مسلم این است که باید این دلیل به صورت شفاف از طرف مسئولان اعلام شود تا مشخص گردد که تغییر واحد به چه دلیل الزامی شده است. با شناخت دلیل می‌توان بحث در مورد الزامات را به صورتی جدی‌تر و ملموس‌تر ارائه کرد.

۹. راهکارهایی برای کاهش آثار سوء تداوم تورم در کشور از ناحیه واحد پول ملی

سؤال اساسی آن است که اگر به‌دلایل نظری نمی‌توان تغییر واحد پول ملی در کشور را توجیه کرد، چه راهکارهایی برای رفع یا کاهش مشکلات ناشی از اثر ارزش پول ملی بر مبادلات و معضلاتی که این سیاست را موضوعیت بخشیده می‌توان پیشنهاد کرد؟ به‌عبارت دیگر آیا برای رفع این مشکلات می‌توان از طریق ابزارهای جزئی برای جبران کاهش ارزش پول ملی اقدام کرد؟ در ادامه راهکارهایی برای جلوگیری از آثار سوء تورم بر مبادلات از ناحیه واحد پول ملی عنوان شده تا علاوه بر کاهش هزینه‌ها و مشکلات مذکور از آثار سیاسی و روانی ناشی از تغییر واحد پول ملی نیز اجتناب شود. در زیر به برخی از این موارد اشاره می‌شود:



۹-۱. تغییر ترتیبات تجاری

این امکان وجود دارد که با استفاده از قوانین و مقررات، نحوه مبادلات را تغییر داده و مبادلات مالی بالاتر از میزان مشخصی فقط از طریق بانکها انجام شود. به عبارت دیگر افراد به هنگام خرید و فروش کالاها یا خدمات گران قیمت فقط از طریق بانک اقدام کنند تا از پرداخت و دریافت فیزیکی پول جلوگیری شود. این امر می تواند خطرات ناشی از پولشویی را نیز تا حد زیادی کاهش دهد.

۹-۲. توسعه استفاده از ابزارهای الکترونیک

در جهان حاضر، توسعه فناوری های ارتباطات و اطلاعات در معاملات نقش جدی در تسهیل و کاهش هزینه ها و مبادله و عدم نیاز به اسکناس و مسکوک بازی می کند. تجارت الکترونیک، دولت الکترونیک، بانکداری الکترونیک و ... نقش جدی در کاهش نیاز به روش های سنتی بازی می کنند. از این رو در ذیل برخی از مهمترین ابزارهای بانکداری الکترونیک ذکر شده است:

کیف پول الکترونیکی: کیف پول الکترونیکی (کارت های هوشمند) مبلغ معینی را در خود نگه می دارند و قابل شارژ هستند. کیف پول الکترونیکی به محض معامله حساب خریدار را در بانک بدهکار و حساب فروشنده را بستانکار می کنند، بدین ترتیب به مقدار حجم قابل توجهی از رد و بدل شدن اسکناس و فرسودگی ناشی از آن جلوگیری می شود.

کارت های اعتباری: این کارت ها سطحی از اعتبار را برای دارنده آن دربردارد و افراد تا سطح معینی که موقع دریافت کارت تعیین می شود می توانند مبادلات خود را از طریق آن انجام دهند.

کارت های هزینه: این نوع کارت ها به نوعی دربرگیرنده میزان اعتبار است و دارنده با استفاده از آن هزینه های خود را انجام داده و در پایان ماه با بانک تسویه حساب می کند بدون اینکه هیچ اسکناسی رد و بدل شود.

پول الکترونیکی: ارزش پول ذخیره شده ای است که به صورت دیجیتالی نگهداری می شود و برای پرداخت های آنی در معاملات قابل دسترسی است، افراد با انتقال عددی از رایانه ای به رایانه ای دیگر هزینه خرید کالا یا خدمات را پرداخت می کنند.

۹-۳. چاپ اسکناس درشت تر

در شرایط موجود با گسترش قابل ملاحظه چک های مسافرتی و بانکی در نظام بانکی روبرو هستیم. ایجاد قطعات بزرگتر اسکناس مانند ۲۰۰,۰۰۰ ریالی یا ۵۰۰,۰۰۰ ریالی (هر چند با چاپ اسکناس های

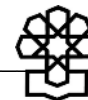
درشت‌تر بسیاری از مسائل از جمله مشکل ثبت اطلاعات در قالب ارقام ریالی و انجام محاسبات پابرجا می‌ماند) علاوه بر کاهش معضلات طرح شده، نقش جایگزینی برای چک‌های بانکی داشته و به حجم پنهان نقدینگی شفافیت و عینیت بیشتری می‌بخشد؛ همچنین کنترل‌پذیری نظام پولی را نیز افزایش می‌دهد. در واقع می‌توان گفت که مهمترین معضل تداوم روند تورمی از ناحیه واحد پول ملی، عدم توازن قطع اسکناس در کشور و حجم مبادلات و ارزش‌های جاری در کشور است که در صورت انتشار اسکناس با قطعات بزرگ‌تر تا حدودی معضل مذکور کاهش می‌یابد و آثار جانبی کمتری در مقایسه با تغییر واحد پول ملی دارد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

براساس بررسی تجربه کشورها، تغییر واحد پول ملی فقط در کشورهایی انجام شده که با تورم بسیار شدید یا ابرتورم مواجه بوده‌اند یا اینکه برای الحاق به ترتیبات پولی منطقه‌ای با الزامات خارجی روبرو بوده‌اند و از آنجایی که کشور ما در حال حاضر دارای ثبات نسبی است و در مرحله تورم ملایم به سر می‌برد و هیچ الزامی برای پیوستن به اتحادیه‌های اقتصادی منطقه‌ای ندارد، پس تغییر واحد پول ملی قابل توصیه به نظر نمی‌رسد. منتهی برای رفع مشکلات ناشی از کاهش مداوم ارزش پول ملی بر ساختار مبادلات و هزینه‌های مربوطه می‌توان به ابزارهای دیگری نظیر توسعه بانکداری، تجارت الکترونیک، دولت الکترونیک، ایجاد اسکناس‌های درشت‌تر و پیش‌بینی ترتیبات قانونی که نیاز به اسکناس و مسکوک را کاهش می‌دهد مبادرت ورزید.

از نظر کارآیی نیز اگرچه تغییر واحد پول ملی از هدر رفتن منابع جامعه جلوگیری می‌کند و استفاده از پول جدید هزینه فرصت کمتری برای افراد جامعه به بار خواهد آورد و به آسان‌سازی محاسبات پولی و بیان قیمت‌ها برحسب پول ملی، ایجاد سهولت در پرداخت‌های نقدی و ثبت اقلام مالی منجر می‌شود، اما این آثار وابستگی شدیدی به شرایط اقتصادی حاکم و نحوه نگرش به سیاست‌های اقتصادی دارند.

تا زمانی که سیاست‌های اقتصادی خط‌مشی دقیق و هدفمندی را به خود نگرفته‌اند، انضباط مالی دولت به خلق مداوم نقدینگی و تورم منجر می‌شود، نظام بانکی بهره‌وری پایینی داشته و تغییر واحد پول ملی از کارآیی لازم برای تغییر انتظارات جامعه نسبت به شرایط اقتصادی برخوردار نیست و فقط دامنه معضلات اقتصادی را افزایش می‌دهد. بنابراین اگرچه ارزش واحد پول ملی در مقابل ارزهای معتبر خارجی بسیار ناچیز است و نیز قدرت خرید داخلی ملی آن هم بسیار اندک و پایین



بوده و در اصل حذف چند صفر را ضروری می‌نماید، لکن تا شرایطی که لوازم اجرای این سیاست تحقق نیافته باشد و ثبات نسبی قیمت‌ها و انضباط مالی قابل قبولی در رفتار مالی اقتصاد ملاحظه نشود، اجرای این سیاست توصیه نمی‌شود و حداقل تا پایان برنامه پنجم توسعه که آثار تورمی اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها ظاهر نشده مناسب است اجرای این سیاست را به تعویق انداخت.

منابع و مأخذ

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک اطلاعات سری زمانی اقتصادی، ۱۳۵۲-۱۳۸۸.
۲. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تحولات اخیر در نظام‌های پرداخت کشور، ۱۳۹۰.
۳. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، جنبه‌های اساسی تغییر واحد پول ملی؛ تجربه ونزوئلا، ترجمه ابوالفضل اکرمی و همکاران، خردادماه ۱۳۹۰.
۴. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ناگرهای اقتصادی بانک مرکزی، سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۸۸.
۵. حسن‌زاده، علی و همکاران. ماهیت و کارکرد پول؛ اصل‌محوری در جبران کاهش ارزش پول، مجله تازه‌های اقتصاد، سال هفتم، ش ۱۲۵.
۶. خلعت‌بری، فیروزه. تغییر قطع پول ملی؛ ویژگی‌ها و الزامات، کمیسیون اقتصاد کلان مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۰.
۷. شاکری، عباس. اصلاح واحد پولی در کشورهای درحال توسعه با تأکید بر صفرزدایی، پژوهشکده امور اقتصادی، ۱۳۸۸.
۸. شجری، هوشنگ و همکاران. بررسی رابطه متقابل تورم و کاهش ارزش خارجی پول در ایران، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۵.
۹. صمدی، هادی. رفورم پولی ۱۹۴۸ آلمان فدرال، مجله تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران، ش ۴۱، ۱۳۶۸.
۱۰. عطائی، امید. بررسی تغییر واحد پول ملی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵.
۱۱. ماهنامه بانک ملی ایران، بررسی طرح تغییر واحد پول ملی جمهوری اسلامی ایران، بهمن‌ماه ۱۳۸۷.
۱۲. ملکان، سرور. رفورم پولی؛ تجربه کشورهای دیگر و الزامات ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۱۳۸۹.
۱۳. ملکان، سرور، ترکیه؛ تجربه‌ای موفق در رفورم پولی و اصلاحات ساختاری، مجله تازه‌های اقتصاد، سال هشتم، ش ۱۲۷.
۱۴. موزلی، لینا. حذف صفرها در کشورهای درحال توسعه، ترجمه سهیل ایلداری و همکاران، اداره پژوهش و برنامه‌ریزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بهار ۱۳۸۹.
۱۵. نوفرستی، محمد. تغییر واحد پول و چاپ اسکناس‌های درشت‌تر، شانزدهمین سمینار سالانه پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸۵.
۱۶. همایون، آرش. میزگرد تخصصی؛ الزامات و ضرورت‌های حذف صفر از واحد پول ملی، مجله بانک، ۱۳۸۹.

17. Merris, R.C., "Monetary policy, bank regulation and banking profit", University of Kentucky, 1979.
18. International Monetary Fund, World Economic Outlook Database, October, 2011.
19. International Monetary Fund, International Financial Statistics, 2011.
20. Romanian Currency denomination, <http://WWW.roembus.org/Economic/doing-business/tn4-Romanian/Currency/denomination-mar05-eng.PDF>(2005).
21. Ilan Goldfajn, Donald J. Mathieson- Public Debt Indexation and Denomination: the Case of Brazil, 1998.
22. Frieden, Jeffrey. 1991. "Invested Interests: National Economic Policies in a World of Global Finance," International Organization 45 (4).
23. Claassen, E.M. & J. De La Cruz-Martinez, "Dollarization and its impact on the economy: Argentina, Bolivia, and Uruguay", Inter-American Development Bank Working Papers Series, Vol. 168, 1994.



شماره مسلسل: ۱۱۰۴۵

مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بررسی دلایل تغییر واحد پول ملی

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه بازارهای مالی)

تهیه و تدوین: امید عطائی

ناظر علمی: احمد شعبانی

متقاضیان: محمدرضا باهنر (عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی)،

ارسلان فتحی‌پور (رئیس کمیسیون اقتصادی)، حسین فدایی‌آشتیانی (نایب رئیس کمیسیون

اصل نودم قانون اساسی)، رضا عبداللهی (رئیس کمیسیون برنامه‌بودجه و محاسبات)

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. تورم

۲. تغییر واحد پول

۳. اصلاح پولی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۶/۳۰